

# نبرد خلق

کارگران جهان  
متحد شوید

در تبریز ۹ نفر در ملاً عام با  
جراثال به دار آویخته شدند  
صفحه ۳

ارگان  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

NABARD - E - KHALGH No 132 . 21 May 1996

شماره ۱۳۲ دوره چهارم سال دوازدهم - اول خرداد ۱۳۷۵

سرمقاله —

## یادداشت سیاسی ماه

— مهدی سامع

تبیغاتی که پیرامون افتتاح راه آهن مشهد — سرخس از طرف رژیم و بعضی رسانه های اروپایی انجام شد، بیش از آن که انعکاس یک رویداد مهم باشد، ناشی از جهت گیریهای سیاسی خاصی بود که به مدد کمتر از ۲۰۰ کیلومتر راه آهن صورت گرفت. بعضی رسانه های اروپایی و منجمله رسانه هایی که دولت های مربوطه آنان درصددند تا از تضاد بین جمهوری اسلامی و دولت فعلی آمریکا استفاده کرده و جاپایی محکم تر از گذشته در آسیای مرکزی پیدا کنند، این رویداد را دلیلی بر شکست سیاست محاصره اقتصادی رژیم ایران از طرف دولت آمریکا دانستند. از این تبلیغات کوتاه نظرانه که بگذریم، جنجال های رسانه های وابسته به رژیم و شخص رفسنجانی که می خواهد از این رویداد برای محکم کردن موقعیت متزلزل خود استفاده کند، واقعا تماشایی است. یک خبرنگار که شاهد مراسم افتتاح این راه آهن بود، آن را با مراسم دوهزاروپانصدمین سالگرد شاهنشاهی ایران که به وسیله شاه و با صرف مخارج گزاف در سال ۱۳۵۰ برگزار شد، مقایسه نمود. پیرامون بزرگترین چادر تاریخ، آنقدر خبر مخابره شد تا یک سیاست ارتجاعی و یک اقتصاد ورشکسته را قابل معامله نشان داده و سیاست "دیالوگ انتقادی" را موجه جلوه دهند. درست مثل روزهای کنفرانس شرم الشیخ که وقتی ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه در محاصره خبرنگاران و در فقدان دلیل افکار عمومی پسند برای رابطه با رژیم ایران قرار گرفت، نتایج نمایش انتخابات رژیم را وارونه جلوه داد، امروز نیز یک راه آهن نیمه تمام، دلیلی برای خارج شدن رژیم از "ایزولاسیون" و گرایش به "شرق" اعلام می شود. اما در گیرودار این تبلیغات پوچ و عوامفریبانه، اسلام کریم اف، رئیس جمهور ازبکستان، در کنفرانس اکو در عشق آباد، تمام آن میز تبلیغاتی که رژیم و بعضی رسانه های غربی چیده بودند را برهم ریخت. روز ۲۵ اردیبهشت تمامی خبرنگارها، حرفهای اسلام کریم اف و حمایت دولت تاجیکستان از او را، یک توهنی کامل به رفسنجانی دانستند. موضع گیری رئیس جمهور ازبکستان به زبان سیاسی عریان که رفسنجانی و رسانه های غربی مدافع رابطه با او به خوبی آن را می فهمند، چیزی جز آن نیست که ازبکستان رابطه با آمریکا و اسرائیل را به مانند در اکویی که از آن به مثابه یک حربه سیاسی در جهت اهداف رژیم ایران و البته دولت پاکستان استفاده شود، ترجیح می دهد.

در صفحه ۳

## اجلاس میان دوره یی شورای ملی مقاومت برگزار شد

اجلاس میان دوره یی شورای ملی مقاومت در روزهای پانزدهم، شانزدهم و هفدهم اردیبهشت ماه ۷۵ برگزار شد و روند تحولات داخلی و بین المللی، فعالیت های شورا و پیشرفتهای جنبش مقاومت را پس از اجلاس قبلی (در بهمن ماه گذشته)، مورد بحث و بررسی قرار داد.

در آغاز اجلاس شرکت کنندگان برای گرامیداشت شهید بزرگ دفاع از حقوق پناهندگان، خانم زهرا رجیبی، عضو شورای ملی مقاومت و از مسئولان دفاتر رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت، که در زمستان گذشته همراه مجاهد خلق علی مرادی به دست دیپلمات تروریستهای رژیم خمینی در استانبول به شهادت رسید، یک دقیقه سکوت کردند. اجلاس بر این اعتقاد بود که هر چند شهادت خانم رجیبی ضایعه بزرگی برای همه دوستداران مقاومت بود اما خیل بیشمار شهیدان مقاومت ایران از جمله اعضای شورا، کاظم باقرزاده، دکتر کاظم رجوی، محمدحسین نقدی، نسرین پارسیان و عفت حدادی فدیه هایی است که طومار این رژیم ضد بشری را در هم خواهد پیچید و استقرار دموکراسی و حاکمیت مردمی را در میهن اسیرمان ایران تضمین خواهند کرد، هم چنان که خون پاک شهید زهرا رجیبی نقش به سزایی در افشای ملایان جنایتکار و خنثی کردن توطئه هایشان داشت.

بقیه در صفحه ۲

## فرهنگ و هنر —

### فستیوال سینمایی کن

معرفی فیلم —

### خط آنتونیا

— سعید کیوان

### عباس معروفی در آلمان فیلم گبه در جشنواره کن

صفحه ۶ و ۷

## دیدگاهها

### مرگ بر امپریالیسم، زنده باد سرمایه گذاری خصوصی

— علی ناظر

### گزینش امروز، چشم انداز فردا

— منصور امان

### وضعیت زنان در مذاهب مختلف

— رؤیا

در صفحات ۱۰، ۱۱ و ۱۲

## غزاله عزیزان به قتل رسید جسد این نویسنده محبوب ایرانی در جنگلهای اطراف رامسر پیدا شد

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران طوسی  
اطلاعیه ای رژیم ایران را مسئول قتل غزاله  
عزیزان اعلام کرد  
دبیرخانه شورای ملی مقاومت در این رابطه  
یک اطلاعیه صادر نمود

صفحه ۳

## نژادپرستی، چهره دیگری از بنیادگرایی

— مهرداد قادری

در صفحه ۸ و ۹

## توطئه گسترده تروریستی رژیم

### آخوندی برای ترور

### مسئول شورای ملی مقاومت

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در پاریس روز ۲۶ اردیبهشت اعلام کرد که: "صبح امروز در یک کنفرانس مطبوعاتی در بغداد با حضور نمایندگان خبرنگارها و شبکه های تلویزیونی بین المللی، یک سخنگوی سازمان مجاهدین خلق ایران از طرح گسترده رژیم ملایان برای ترور آقای مسعود رجوی رهبر مقاومت ایران پرده برداشت.

سخنگوی مجاهدین با نشان دادن سلاحها و تجهیزات به دست آمده از یک شبکه کشف شده تروریستی متعلق به وزارت اطلاعات (ساواک) رژیم خمینی، فاش ساخت که تروریستهای اعزامی از ایران قصد داشتند از یک بمب بسیار قدرتمند برای سوء قصد علیه آقای رجوی استفاده کنند. سلاح ویژه این طرح تروریستی که از جوخه ترور به دست آمد، یک خمپاره انداز پر قدرت با کالیبر ۳۲۰ میلیمتر و به طول ۱۶۳ سانتی متر بود. هر گلوله این سلاح حاوی بیش از ۲۵ کیلوگرم مواد به شدت انفجاری در کلاهک خود می باشد. وزارت اطلاعات ساخت این سلاح ویژه را به کارخانه های صنایع نظامی رژیم سفارش داده بود و تروریستها پیش از انتقال آن از ایران به عراق با گلوله واقعی با آن تمرین کرده بودند.

## اجلاس میان‌دوره‌ی شورای ملی مقاومت برگزار شد

از صفحه ۱

سپس اجلاس میان‌دوره‌ی شورای ملی برگزار شد و پس از بحث و بررسی مفصلی به نتایج زیر رسید:

۱- سیر تحولات پس از اجلاس بهمن ماه گذشته، از هر لحاظ، نشان دهنده شکست و بی‌اعتباری رژیم ضدانسانی حاکم و پیشرفت و پیروزی مقاومت ایران است: شکست رژیم در نمایش انتخابات و استقبال مردمی از تحریم انتخابات، شکست توطئه‌های رژیم برای برگرداندن برگ حقوق بشر علیه مقاومت و صدور سی و هفتمین قطعنامه محکومیت رژیم توسط ارگانه‌های ملل متحد، صدور حکم دستگیری وزیر اطلاعات حکومت آخوندی و موفقیت شورای ملی مقاومت در افزایش توطئه‌های وزارت اطلاعات و عواملش در خارج کشور علیه مقاومت و هنرمندان و پناهندگان ایرانی، تشدید انزوای رژیم و سیاست‌های تروریستی و جنگ افروزان‌اش در سطح منطقه، استمرار خیزش‌های مردمی و اعتصاب‌های کارگری و دانشجویی و تحرک نیروهای مقاومت در داخل کشور، نمونه‌هایی در این زمینه اند. بی‌سبب نبود که رژیم آخوندی تمام قوایش را برای توطئه علیه مقاومت به کار گرفت و به دنبال برپایی کنفرانس شرم‌الشیخ و مطرح شدن سفر هیأت جامعه اروپا به ایران، رهبران و رسانه‌های رژیم عقب‌نشینی از تروریسم را مشروط به محدود کردن شورای ملی مقاومت می‌کردند و با این باج‌خواهی و قیحانه، به زبان خود نیروی جایگزین و منشا سیاسی بن‌بست‌هایشان را معرفی می‌کردند.

۲- فراخوان مسئول شوراهای محلی به تحریم انتخابات مجلس رژیم و عدم شرکت مردم در این نمایش که رژیم برای "داغ کردن تنورش" تلاش‌های زیادی به عمل آورده بود، باز دیگر عدم مشروعیت این رژیم و تنفر عموم مردم ایران را از آن به نمایش گذاشت و به یک شکست فاحش سیاسی و اجتماعی برای حکومت آخوندی تبدیل شد. نمایش انتخاباتی رژیم، برخلاف انتظار برخی از محافل غربی، همچنان که از قبل برنامه‌ریزی شده بود، به انتفاض و بسته‌تر شدن رژیم، تسلط بیشتر طرفداران خامنه‌ای بر مجلس و تضعیف یا حذف باندهای رقیب منجر شد. این امر تشدید مخاصمات و درگیری‌های درونی رژیم را به دنبال خواهد داشت.

به این ترتیب حکومت آخوندی در محاصره بحران‌های سخت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تحمل باندهای درونی خود را نیز از دست داده و بقایش را در سلطه انحصاری ولایت فقیه و تشدید سرکوب فراگیر می‌یابد. تصویب مجازات اعدام برای کسانی که اطلاعات در اختیار مقاومت قرار می‌دهند و اعمال وحشیانه‌ی بی‌مانند حمله به مراسم جشن تولد یک جوان ۲۳ ساله و پرتاب او از طبقه هیجدهم، ممنوع کردن دوچرخه‌سواری برای زنان و حمله به آنان در کوچه و خیابان یا حمله به سینماها و ضرب و شتم تماشاچیان و پرتاب یک زن باردار از بالکن سینما نمونه‌هایی از این روند جدیدند.

در زمینه سیاست خارجی نیز به دنبال این انتخابات، آخوندها اداها و شکلهای "میانه‌روی" را با طرف‌های اروپایی به کناری گذاشتند. آخوند ناطق‌نوری، رئیس مجلس و آخوند یزدی، رئیس قوه قضائیه رژیم، تصریح کردند که مسأله رشدی جز با اجرای فتوای قتل او حل نخواهد شد. ناطق‌نوری

افزود ما هرگز از مواضع خودمان در مخالفت با صلح خاورمیانه عقب‌نشینی نخواهیم کرد.

اجلاس شورا، نتیجه‌گیری کرد که این انتخابات یک بار دیگر مواضع شورای ملی مقاومت را مبنی بر استحاله‌ناپذیری این دیکتاتوری مذهبی و تروریستی و ضرورت سرنگونی آن به وسیله ارتش آزادیبخش ملی، تأیید می‌کند. تا این رژیم هست از دموکراسی و حقوق بشر در ایران و صلح و آرامش در منطقه خبری نخواهد بود.

۳- گزارش هیأت نمایندگی شورای ملی مقاومت ایران در پنجاه و دومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در ژنو در باره مراحل و چگونگی تصویب قطعنامه این کمیسیون در محکومیت نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی و توطئه‌های رژیم و هم‌دستان بین‌المللی‌اش برای جلوگیری از تصویب این قطعنامه، به وضوح حاکی از این بود که رژیم در ماه‌های گذشته با تمام قوا، با استفاده از عوامل وزارت اطلاعات و با تطمیع برخی کشورهای غربی و ارائه امتیازهای اقتصادی به آنها، درصد برآمده بود که نه تنها خود را از معرض محکومیت برهاند، بلکه کاری کند که با عوض شدن جای رژیم و قربانی، مقاومت ایران از سوی مراجع بین‌المللی به نقض حقوق بشر متهم شود. اجلاس، خنثی شدن این توطئه‌ها و بی‌نتیجه ماندن همه سرمایه‌گذارهای رژیم در این زمینه را که در پایان یک رویارویی همه‌جانبه ۷ ماهه با دشمن ضد بشری تحقق یافت، یک شکست خوارکننده برای رژیم و یک پیروزی بزرگ برای مقاومت ایران توصیف کرد. اجلاس ضمن قدردانی از هیأت شورای ملی مقاومت ایران بر این حقیقت تأکید کرد که مردم و مقاومت ایران هیچگاه اجازه نمی‌دهند که حقوق بشر قربانی معاملات و زودبندهای ننگین رژیم قرون وسطایی ملایان شود.

۴- اجلاس شورا در بررسی تحولات بین‌المللی و منطقه‌ی، نقش دیکتاتوری تروریستی و مذهبی حاکم بر ایران را در صدور تروریسم و دخالت‌هایش برای برهم زدن روند صلح یا متوقف کردن آن، مورد بحث قرار داد و کنفرانس شرم‌الشیخ را یک گام ضروری ولی ناکافی برای مقابله با تروریسم افسارگسیخته ملایان توصیف کرد.

اجلاس، ضمن تأکید مجدد بر حمایت شورای ملی مقاومت از روند صلح خاورمیانه، از برقراری آتش‌بس در درگیری‌های جنوب لبنان و پایان خونریزی و قربانی شدن مردم بی‌گناه در این منطقه، استقبال نمود و برای استقرار صلح پایدار و عادلانه در تمامی منطقه ابراز امیدواری کرد. اجلاس، با یادآوری این حقیقت که آخوندهای حاکم بر ایران، دشمن اصلی صلح و مهمترین عامل تروریسم در منطقه هستند، تأکید نمود که هرگز سهیم کردن رژیم آخوندی در حل و فصل مناقشات منطقه‌ی بی‌مثابه چراغ سبزی برای تروریسم و خرابکاری بیشتر در مسیر صلح است.

۵- اجلاس میان‌دوره‌ی شورای سیاست "دیالوگ انتقادی" اتحادیه اروپا را یک سیاست مامشات جویانه که رژیم خمینی را در صدور تروریسم و سرکوب مردم ایران جری‌تر می‌سازد، توصیف کرد و از تلاش‌هایی که برای پایان دادن به این سیاست صورت می‌گیرد حمایت نمود. شورا، خواستار پیوستن کشورهای اروپایی به تحریم تجاری دیکتاتوری تروریستی حاکم بر ایران می‌باشد، که خواست اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران هم هست و ۱۵ سال است که مقاومت ایران بر آن پای می‌فشارد.

در حالی که تروریست‌های اعزامی آخوندها در آلمان، فرانسه، سوئیس، اتریش و ترکیه تحت تعقیب یا محاکمه قرار دارند و دستگاه قضایی آلمان حکم بازداشت وزیر اطلاعات رژیم را صادر کرده است، "دیالوگ انتقادی" و روابط گسترده اقتصادی با این رژیم نه تنها علیه منافع و مصالح عالی مردم ایران بلکه در تقابل با اصول حقوق بشر و دموکراسی است و پایمال کردن ارزش‌های خود این کشورها به خاطر کسب منافع اقتصادی و سیاسی به شمار می‌رود. بگذریم که روابط اقتصادی و سیاسی با رژیم ورشکسته ملایان هیچ آینده‌ی ندارد.

۶- در این اجلاس، پرفسور مهابادی مسئول کمیسیون علوم و پژوهش شورا، گزارشی از گردهمایی گروهی از متخصصان برجسته ایرانی در لس‌آنجلس، ارائه نمود. این گردهمایی که به ریاست پرفسور مهابادی برگزار گردید، مبین آمادگی بسیاری از متخصصان ایرانی برای همکاری با شورای ملی مقاومت بود. اجلاس ضمن استقبال از این حرکت ارزشمند و تجلیل از اقدامات پرفسور مهابادی، یک بار دیگر دعوت رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران از تمامی متخصصان ایرانی در خارج از کشور را یادآور شد و بر لزوم مشارکت آنان در تدوین طرح‌های بازسازی ایران آینده و حل مشکلات میهنمان در زمینه‌های مختلف تأکید کرد.

۷- اجلاس، گزارش آقای ابراهیم ذاکری، مسئول کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورای ملی مقاومت، در باره آخرین توطئه‌های تروریستی رژیم علیه مقاومت ایران در کشورهای غربی و در کشورهای همسایه ایران، استماع کرد. بر اساس این گزارش رژیم در مانده آخوندی فقط در ظرف ۳ ماه اول سال ۹۵ میلادی، ۹ مخالف ایرانی را در خارج از کشور به وسیله تروریست‌هایش به قتل رسانده و برای گسترش کشتار و ترور در خارج مرزهای ایران هم چنان در تلاش است. مسئول کمیسیون امنیت و ضد تروریسم در گزارش خود به تشریح جزئیات ورود سلاح‌های جدید توسط رژیم خمینی به خاک اروپا پرداخت و با استناد به منابع درون رژیم فاش ساخت که قصد رژیم از وارد کردن این تسلیحات - که یک قدم جدید در تروریسم صادراتی رژیم آخوندی است - هدف قراردادن مقر اقامت رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت در خاک فرانسه بوده است. اجلاس میان دوره ای شورا تشدید تشبیهات تروریستی رژیم را نشانه بارزی از افلاس و درماندگی این رژیم در چاره‌یابی بحرانهای داخلی و مقابله با مقاومت گسترش‌یافته مردمی توصیف کرد. اجلاس با یادآوری نهایت حساسیت مردم و مقاومت ایران نسبت به حفاظت از رئیس جمهور برگزیده مقاومت، مسئولیت دولت فرانسه را در خنثی کردن توطئه‌های تروریستی رژیم و حفاظت از خانم رجوی مورد تأکید قرار داد.

۸- پس از بررسی چشم‌انداز تحولات آینده در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی، اجلاس، سیر تحولات را به سود مقاومت ایران و به زبان رژیم ضد انسانی خمینی ارزیابی نمود. اجلاس اقدامات و تدابیر پیشنهاد شده برای پیشبرد طرح‌های جنبش مقاومت در عرصه‌های مختلف را مورد بررسی قرار داد و در هر زمینه تضمین‌های لازم را اتخاذ نمود.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۱۳۵۷/۲/۲۳

## غزاله علیزاده به قتل رسید



## رژیم ایران ۹ نفر را در ملاء عام در تبریز حلق آویز کرد

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در پاریس ۲۷/۲ اردیبهشت اعلام کرد که: "بنا به گزارشهای رسیده از ایران، از روز جمعه گذشته، دانشجویان دانشگاه تبریز در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم ملایان، دست به اعتصاب و تظاهرات زده اند. جو دانشگاه بسیار متشنج می باشد. در جریان تهاجم ماموران اطلاعاتی و پاسداران رژیم به دانشگاه طی روزهای گذشته، حداقل ۱۳۰ تن از دانشجویان دستگیر شده و شمار زیادی مجروح گشته اند. رژیم

ملایان برای ایجاد رعب و وحشت در بین مردم و جلوگیری از گسترش این حرکت اعتراضی به سایر بخشهای شهر، روز گذشته ۹ نفر را در ملاء عام با جراثقال به دار آویخت. پنج تن از این افراد در خیابان سه راه و چهار نفر در بازار جلو پاساژ شمس تبریزی به دار آویخته شدند.

هزاران تن از دانشجویان دانشگاه تبریز روز جمعه ۲۲ اردیبهشت در تظاهراتی که چند ساعت به طول انجامید، با ماموران وزارت اطلاعات و پاسداران رژیم به زدوخورد پرداختند. این تظاهرات پس از دستگیری بیش از ۵۰ تن از دانشجویان سرکوب شد.

\*\*\*\*\*

## یادداشت سیاسی ماه

از صفحه ۱

خبرگزاری فرانسه روز ۲۵ اردیبهشت در خبری که مخابره نمود گفت: "در اجلاس عشق آباد اختلاف عمیق در بینش همکاری میان کشورهای اکو را نشان داد." حرفهای دیپلماتیک و تعارفات صدمن یک گاز در زیر بزرگترین "چادر تاریخ"، در برخورد با واقعیتهای سرسخت، اگرچه یکی دو روز چنجالی به پا می کند، اما زود فراموش می شود. آن چه فراموش شدنی نیست، سیاستهای واقعی دارودسته ارتجاعی خامنه ای - رفسنجانی است که اگر برای رنگ و لعاب دادن به آن نه بزرگترین چادر تاریخ، که بزرگترین برج و باروی تاریخ بشری هم ساخته شود، سیمای زشت و منحوس آن که چیزی جز توسعه سرکوب، ارتجاع و بنیادگرایی نیست، خود را به طور برجسته نشان می دهد.

...

آقای حسن دو، پادشاه مراکش در ماه گذشته سفری به پاریس نمود. وی یک هفته قبل از این سفر مصاحبه ای با روزنامه فرانسوی فیگارو انجام داد که خبرگزاری رویتر گزارشی از این مصاحبه را در تاریخ ۱۰ اردیبهشت مخابره نمود. بنا بر آنچه که رویتر مخابره نموده، "ملک حسن زنان ایرانی را به کرنش و مقاومت نکردن در مقابل بنیادگرایی متهم ساخت." پادشاه مراکش در مورد بنیادگرایی در مراکش می گوید: "آیا می دانید که در مقابل رشد بنیادگرایی، چه سپری ما را حفظ خواهد کرد؟ زنان و روشنفکران ما. زنان مراکشی همواره از زنان کشور همسایه شان یعنی الجزایر آزادتر بوده اند. آنها به حقوق زیادی دست یافته اند و برای حفظ آنها خواهند جنگید. مراکش از آسوبهایی که به کشور همسایه اش الجزایر در طول ۴ سال اخیر آسیب رسانده، درمان مانده است. .... زنان ایرانی، که قبل از انقلاب سال ۱۹۷۹، از آزادی نسوع غربی برخوردار بودند، اقدامی برای احقاق حقوقشان نکردند" آقای حسن دو سپس اضافه می کند که: "من همواره گفته ام، زنان ایرانی به آرمان زنان مسلمان خیانت کردند، چرا که بلافاصله تسلیم شدند." پیرامون حرفهای پادشاه مراکش که اگر ناشی از نخوت پادشاهی نباشد، مسلماً از بی اطلاعی ایشان ناشی می شود، ذکر چند نکته لازم است.

۱- این که زنان مراکش و روشنفکران این کشور در مقابل بنیادگرایی مقاومت می کنند، جای خوشحالی بسیار دارد. مسلماً هر مقاومتی در مقابل نیروی ارتجاعی بنیادگرایی، به سود جنبش ترقیخواه

کشورهای این منطقه است. اما این نکته ای که به احتمال قوی پادشاه مراکش از ذکر صریح آن خودداری می کند اینست که تحت حکومت فردی ایشان، چه میزان از گرایش بنیادگرایانه، در اعماق جامعه مراکش رخنه کرده و در شرایط خاصی خود را بروز می دهد.

۲- اظهار نظر ایشان راجع به شرایط قبل از انقلاب ۱۹۷۹ نیز ناشی از همین برخورد است. در آن موقع نیز البته بخشی از زنان ایران در مبارزه خود برای برابری به دستاوردهایی نایل شدند اما از آنجا که خصلت و ماهیت دیکتاتوری فردی شاه، در تقابل با دموکراسی گسترده که مسأله برابری زن و مرد از اصول پایه ای آنست بود، جنبش ترقیخواه زنان نتوانست از دستاوردهای خود حفاظت کند. در واقع بدون یک شرایط دموکراتیک، صحبت از برابری زن و مرد، اگر عوامفریبی نباشد، مسلماً خودفریبی است.

۳- این که پادشاه مراکش زنان ایران را به خیانت به آرمان "زنان مسلمان" و مهمتر از آن "زنان ایرانی" را به کرنش و تسلیم متهم می کند، بیش از آن که بیان یک واقعیت باشد، نحوه نگرش و منش ایشان را فاش می سازد. غلوکردن در مورد مسائل مربوط به حوزه حاکمیت "خود" و بی اعتبار کردن آنچه در خارج از این حاکمیت به وقوع می پیوندد، شیوه معمول پادشاهان، امرا؛ والیان و اصولاً دیکتاتورها بوده است. زنان ایران از همان روزهای اول به قدرت رسیدن خمینی، مبارزه سرنوشت سازی را آغاز کردند و تا امروز این مبارزه در حوزه های مختلف و در سطوح گوناگون و با ابعادی گسترده ادامه دارد. یک روز نیست که رژیم حاکم بر ایران، اقدامی که به صورت تصویب قانون و چه به صورت حرکات باندهای سیاه ارازل و اوباش وابسته به خود علیه زنان صورت ندهد و با این حال سرکردگان رژیم حاکم بر ایران به زبان گوناگون گفته و می گویند که نمی توانند مقاومت زنان را سرکوب کنند. اگر سلطان مراکش فقط اخبار یک سال گذشته یکی دو خبرگزاری را مرور کرده باشند، به بطلان حرف خود بهتر پی می برد. از نقش زنان در جنبش مقاومت ایران برای سرنگونی ارتجاع حاکم و تحقق ایرانی آزاد، مستقل و دموکراتیک بخواهم مطلب بنویسم مثنوی هفتادمن کاغذ می شود. اگر مطبوعات مراکش اجازه یابند تا بخشی از آنچه در عرصه مقاومت ایران اتفاق افتاده را منعکس کنند، مسلماً زنان مراکش که درگیر مبارزه علیه بنیادگرایی هستند، به گونه ای متفاوت از پادشاه مراکش در مورد زنان ایران قضاوت می کنند. □

روز شنبه ۲۲ اردیبهشت امسال، جسد غزاله علیزاده، نویسنده و شاعر محبوب در جنگلهای اطراف رامسر پیدا شد. روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، طی یک اطلاعیه مطبوعاتی، خبر قتل غزاله علیزاده را پخش نمود. دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران و کمیسیون زنان این شورا، در سوگ این نویسنده صاحب نام ایرانی، اطلاعیه ای صادر نمودند. غزاله علیزاده، زنی مبارز، نویسنده ای جسور و شاعری شوریده حال بود. او گفته بود که "زنان ایران زیر بار ظلم و زورگویی نمی روند و سعی کرده اند با نیرویی مضاعف پرواز کنند". پس از قتل خانم غزاله علیزاده شایعه خودکشی او بر سر زبانها افتاد. پیداشدن جسد حلق آویز شده او در جنگلهای اطراف رامسر را دلیل این امر اعلام کرده اند.

غزاله علیزاده به هر شکل که به قتل رسیده باشد، مسئول قتل او آخوندهای جنایتکار حاکم بر میهن ما هستند. یادش را گرامی می داریم و فقدان او را به خانواده و جامعه فرهنگی ایران تسلیت می گوئیم.

## شورای ملی مقاومت ایران قتل زن نویسنده و شاعر ایرانی را محکوم می کند

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - پاریس ۲۳/۲/۷۵: "روز شنبه ۲۲ اردیبهشت ۷۵، خانم غزاله علیزاده شاعر و نویسنده ایرانی به نحو مشکوکی در شمال ایران به قتل رسید. همزمان با مرگ خانم علیزاده پاسداران به یک نمایشگاه کتاب در تهران حمله کرده و کتابهای او را جمع آوری کردند. خانم علیزاده به دلیل مخالفت با رژیم خمینی در سالهای گذشته مدتها زندانی شده و تحت شکنجه قرار گرفته بود. پس از آزادی از زندان نیز وی همواره تحت کنترل و فشار از سوی ساواک ملایان بود. در گذشته رژیم خمینی بسیاری از مخالفان را مخفیانه به قتل رسانده و سپس مدعی شده که آنان خودکشی کرده اند یا برخی دیگر را در تصادفهای ساختگی به قتل رسانده است. خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت، ضمن محکوم کردن فشارهای وارده از سوی رژیم خمینی به خانم علیزاده، درگذشت این نویسنده ایرانی را به خانواده و بازماندگان وی تسلیت گفت. شورای ملی مقاومت ایران از مجامع بین الملل مدافع حقوق بشر خواهان محکوم کردن و تحقیق پیرامون جنایات ضد بشری ملایان، از جمله علیه خانم علیزاده، می باشد." □

## چند فتوا پیرامون دوچرخه سواری و دیگر ورزشهای بانوان

نقل از هفته نامه صبح

شماره ۵۲، ۱۱ اردیبهشت ۷۵

چند تن از مراجع تقلید و آئینات عظام به استفتای پیرامون ورزشهای بانوان و پخش تلویزیونی آنها، پاسخ دادند.

در زیر متن استفتاء و پاسخ حضرات آیات عظام حاج شیخ جواد تبریزی، بهجت، شبیری زنجانی، مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی، را از نظر می گذرانید.

متن استفتاء:

«مستدعی است نظر مبارکه خویش را در مورد ورزشهای بانوان از قبیل دوچرخه سواری، اسب سواری، قایق رانی و دو میدانی در اماکن و معابر عمومی بیان فرمائید. در ضمن پرمسئله تماشای این نوع برنامه ها از تلویزیون چه حکمی دارد؟»

پاسخها:

«آیت الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی: «اجتناب از امور مذکوره، بی شبهه، طریق نجات است.» (۷۵/۱/۱۴)

«آیت الله العظمی بهجت:

«اگر عیسی و در مسابله نامحرمسان ورزش می کنند، جایز نیست و همچنین اگر پخش آنها موجب توهین شهوت و یا دارای مقصد باشد، حرام است.» (۷۴/۱۲/۲۱)

«آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی:

«ورزش بی نمسه برای بانوان مانع ندارد ولی رعایت عفت در اسکان و معابر عمومی لازم است و پخش برنامه هایی که مشتعل بر حرام بوده یا بر حسب فساد باشد، جایز نیست. والله العالم.»

«آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

«اگر در انتظار عمومی نباشد، اشکال ندارد.» (۷۵/۱/۲۴)

«آیت الله العظمی صافی گلپایگانی:

«اجراء این گونه برنامه های خلاف عفت و غیرت و تعالیم به اسم ورزش در اسکان و معابر عمومی علاوه بر آن که نمایش و جلوه دادن مفاتن بدن بانوان، به مردان اجنبی است، مستلزم تزویج فحشاء و منکرات و مفاسد عظیمه است و تماشای این برنامه ها و تشویق و ترغیب به آنها حرام است. خداوند متعال جامعه اسلامی ما را که در عصر حاضر پرچم اسلام و حاکمیت احکام اسلام را در دنیا به افتخار درآورده و مسلمانان را سربلند و عزیز قرار داده از اینگونه خطرات که موجب تشویش اذهان و خدشه دار شدن شخصیت اسلامی ما است حفظ فرماید.»

### خودسوزی دو زن

مدتی پیش خبر خودسوزی دو خواهر جوان، مردم شهر سقز را خیلی ناراحت کرد. دو خواهر و یک برادر که به دلیل از هم پاشیدن شیرازه خانواده شان، بی سرپناه مانده بودند، با زندگی سختی مواجه بودند. در حالی که خود در محاصره قوانین و آداب و رسوم ارتجاعی که رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی مدافع آن است قرار داشتند، هیچ امیدی برای آنها باقی نمانده بود که بتوانند زندگی سرفرازانه داشته باشند. خواهر بزرگتر که بیشتر سختیها را درک می کرد، تصمیم به خودسوزی

گرفت. روی لباسهایش و سراپای خودش و داخل اتاقش نفت ریخت و در وسط اتاق، با روشن کردن کبریت، موجی از آتش او را احاطه کرد. خواهر کوچکترش به کمکش رفت تا او را از آتش نجات دهد، اما آتش او را نیز در خود گرفت. در حالی که همدیگر را در آغوش گرفته بودند و تلاش می کردند با آخرین فریادهای زندگی شان، همه فشارهای سالهای عمرشان را ابراز دارند، جانشان را از دست دادند.

رادیو صدای انقلاب ایران (کومله) ۲۷/اردیبهشت/۷۵

### زنان و المپیک

کمیته آتلانتا پلوس، که به منظور دفاع از شرکت بدون تبعیض زنان در بازیهای المپیک تاسیس شده، از موضعگیری کمیسیون حقوق بشرمل متحد در دفاع از فعالیت این سازمان ابراز خرسندی کرد. در اطلاعیه ای که این کمیته منتشر کرد، اعلام نمود، برای اولین بار کمیسیون حقوق بشر مسأله عدم تبعیض در ورزش را به عنوان امر مهم در احترام به حقوق زنان در جهان در نظر گرفته است. کمیته آتلانتاپلوس، کشورهای اسلامی به ویژه ایران را مورد هدف قرار می دهد. این کمیته در اطلاعیه خود گفت: «از این نتیجه مثبت ابراز خرسندی نموده و به فعالیت خود تا بازگشایی بازیهای المپیک در آتلانتا ادامه خواهد داد.»

خبرگزاری فرانسه ۷۵/۲/۱۱

ژاک لانگ، وزیر سابق فرهنگ فرانسه، و ژاک

آتالی، مشاور فرانسوا میتران، رئیس جمهور سابق فرانسه، طی نامه ای به سفیر آمریکا در فرانسه تقاضا کردند که دولت آمریکا با شرکت کشورهایی که زنان را در هیأت شان به بازیهای آتلانتا راه نمی دهند، مخالفت ورزد. کشورهای مورد اشاره، کشورهای اسلامی به ویژه ایران می باشند. خبرگزاری فرانسه روز ۱۴ اردیبهشت در این باره می گوید: آنها طی نامه ای به خانم هری من، سفیر آمریکا، اظهار حیرت کردند که «حدود بیست کشور در جهان، زنان را در هیأتهای ملی خود جای نداده اند. آنها از هری من سؤال کردند که آیا آمریکا امکانی برای مخالفت با چنین وضعیتی که علنا علیه زنان تبعیض قائل می شود و به طور فاحش با اصول برابری زن و مرد که در قطعنامه نهایی کنفرانس پکن قید شده، متضاد است را در اختیار ندارد. از سوی دیگر کمیته بین المللی المپیک مکررا به تلاش دیرینه خود به نفع زنان و ورزش زنان اشاره کرده است. ولی یادآوری نموده است، که شرکت در بازیهای المپیک تنها با اجازه کمیته های ملی المپیک هر کشور و براساس منشور المپیک صورت می گیرد و کمیته برگزار کننده بازیهای آتلانتا و دولت آمریکا، متعهد به احترام آن شده اند. در بازیهای المپیک بارسلون از ۱۷۲ کشور شرکت کننده ۳۶ کشور دارای هیچ زنی در هیأتهای ورزشی خود نبودند.»

### حمله بسیجیان به

### پیست دوچرخه سواری بانوان

روز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت روزنامه اخبار گزارش نمود که بنیادگرایان مذهبی به زنان و مردانی که در یک باشگاه ورزشی در تهران مشغول دوچرخه سواری بودند، حمله بردند. آنها دوچرخه سواری توسط زنان را غیر اخلاقی خواندند.

خبرگزاری فرانسه که این خبر را مخابره نموده، اعلام کرد که: بنیادگراها که خود را به عنوان بسیجی معرفی کردند، سپس مدیران باشگاه فرهنگی، ورزشی چیتگر را مورد ضرب و شتم قرار دادند. باشگاه چیتگر در غرب تهران واقع شده و از سال ۱۹۹۵ دارای تنها پیست دوچرخه سواری برای زنان است. این روزنامه افزود که بسیجیان هم چنین به تعدادی از مسئولان کشور توهین کردند. مأموران حاضر در محل نیز مداخله نکردند. حمله مزبور زمانی روی می دهد که از دو ماه پیش جدال بر سر ورزش دوچرخه سواری زنان بالا گرفته است. رادیو اسرائیل در برنامه روز ۱۵ اردیبهشت گفت:

«روزنامه کیهان، که از عملیات انصار حزب الله حمایت می کند، طی گزارش مشروحی، در حمله نیروهای انصار حزب الله به مجتمع فرهنگی — ورزشی چیتگر در تهران که طی آن به زنان ورزشکار دوچرخه سوار و نیز مسئولان مجتمع حمله شد را مورد تأیید قرار داد. کیهان در این گزارش برقراری پیست دوچرخه سواری برای زنان در این مجتمع را تسامح و ساده اندیشی از سوی مسئولان دانست و آن را نشانه ای از تهاجم فرهنگی غرب قلمداد ساخت.»

### تظاهرات طلاب در دفاع از چادر

روز گذشته شماری از طلاب از حامیان جناح تندرو در شهر قم دست به تظاهرات زدند و خواهان آن شدند که برای زنان ایران استفاده از چادر اجباری شود.

رادیو اسرائیل ۱۸ / اردیبهشت / ۷۵

### زنان چین

یک همه پرسی نشان داد که بیش از ۴۰ درصد از دختران دبیرستانی در چین، آرزو دارند که پسر می بودند. آنها گفتند پسران آزادی بیشتر و آینده روشنتری دارند. خبرگزاری رویترز ۳۱/فروردین به نقل از روزنامه جوانان چین اعلام کرد که این همه پرسی توسط مرکز خانواده پکن انجام شده و در آن ۷۰۰ دانش آموز در محدوده سنی ۱۳ تا ۱۸ سال و والدینشان شرکت داشتند. ۴۴/۲ درصد از دانش آموزان دختر آرزو دارند که پسر می بودند. در این همه پرسی در پاسخ به علت این آرزوها آنها گفتند، پسرها آزادترند، محدودیت زیادی ندارند، معلمان بیشتر به پسرها توجه می کنند و آنها آینده بهتری دارند. وضعیت زنان در چین از زمان انقلاب کمونیستی سال ۱۹۴۹، خیلی بهتر شده، ولی چنینها به طور سنتی پسرها را بر دخترها ترجیح می دهند. در یک خبر دیگر پیرامون مسأله زنان در چین، خبرگزاری رویترز روز ۶ اردیبهشت اعلام کرد که یک دادگاه در استان آنهوی چین هشت تن را به علت ربودن و فروش ۱۱۹ زن از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴، به مرگ محکوم کرد. روزنامه قانون چاپ چین می نویسد، پنج مرد و سه زن رهبری یک باند ۶۱ نفری را تشکیل می دادند که در ناحیه وییانگ استان آنهوی مستقر بودند و تا مه ۱۹۹۴ که توسط پلیس دستگیر شدند، ۱۱۹ زن را از ۱۴ استان ربوده بودند. این روزنامه نوشت که این باند زندهای جوان را می ربوده و تاکنون ۲۴۰ هزار یان (۲۹ هزار دلار)، از فروش آنها به دست آورده است. چین از مدتها قبل تلاش زیادی کرده که از ربودن زنان و کودکان جلوگیری کند، ولی تجارت برده داری قدیم در بسیاری از مناطق شهری ادامه دارد، به خاطر این که کشاورزان به پسر بیشتر علاقه دارند و دختر مطلوبشان نیست.

## کنفرانس بین المللی زنان در سوئد

کنفرانس بین المللی زنان در استکهلم روز ۱۷ اردیبهشت کار خود را آغاز نمود. رادیو پژواک در این باره می گوید: در این کنفرانس زنانی که به نوعی رهبری و مسئولیت کشوری یا سازمانی را دارا بوده یا هستند، شرکت دارند. خانم حنان اشراوی از شورای فلسطین از جمله زنان شرکت کننده در این کنفرانس است که در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد و از جمله به پرسشهایی در باره چشم انداز صلح خاورمیانه پاسخ داد.

روزنامه سوئدی داگنرزی هتر در شماره روز ۲۰/ اردیبهشت می نویسد: "تعدادی از زنان رهبری کننده با لیموزین به مجلس سوئد برای شرکت در جلسه ای که هدفش درست کردن یک رهبری جدید است وارد شدند. Bizgita dhal رئیس مجلس سوئد به این زنان خوش آمد گفت: وقتی او کار خود را در مجلس در ۲۸ سال پیش شروع کرد، تعداد زنان در مجلس ۱۱ درصد کل نمایندگان که هم اکنون حد متوسط تعداد نمایندگان زن در پارلمان در دنیا می باشد، بود. ایده تشکیل این کنفرانس از Laura liswood است که با بیان این سؤال که چرا آمریکا یک رئیس جمهور زن ندارد، شروع شد. Finnbogadoriz رئیس جمهور ایسلند ریاست این نشست را به عهده دارد. این نشست بیشتر به این خاطر در استکهلم برگزار شده که گمان می رفت خانم "موناسالین" نخست وزیر سوئد خواهد شد. رئیس جمهور ایسلند می گوید که فرق بین رهبری زن و مرد این است که زنان همیشه مردها را به حساب می آورند، ولی مردها این کار را نمی کنند. او براین نکته تکیه می کند که هیچ جامعه ای قدرت این را ندارد که خطای زنان را بپذیرد. رئیس جمهور ایسلند می گوید این کار مشکلی است که زنها و مردها را در یک شیشه جا

داد و بر روی آن یک برجسب زد. در مورد هدف از نشست استکهلم، وزیر امور خارجه سوئد گفت که مهمترین چیز این است که ما تبادل نظر و ایده می کنیم. Bizgita dhal گفت درست مثل مردها که هرچند مدت در نشستی جمع می شوند، ما زنان نیز باید این کار را بکنیم". روزنامه سوئدی سونسکاداگ بلادت در شماره ۱۹/ اردیبهشت می نویسد: "هر چه رهبران زن زیادتتر شوند، جنگ و خصومت در جهان کمتر خواهد شد. نخست وزیر پیشین کشور هایتی می گوید که زنها به اندازه مردها احتیاج به نشان دادن قدرت ندارند و در عوض مذاکراتشان پربارتر از مردهاست. در غیر این صورت بیرون آمدن این همه نتایج عملی از جلسه زنان در استکهلم غیر ممکن بود. او می افزاید که خیلی از ما قبلا همدیگر را ملاقات نکرده بودیم و مسائل و مشکلات همدیگر را نمی دانستیم و با هم بحث نکرده بودیم. مسأله ای که من به عنوان نخست وزیر در کشورم داشتم، درست مثل موردی است که Hamma suchodha در هلند داشت و آن اطمینان به نفس است و حالا ما می دانیم که دیگر تنها نیستیم. می توان گفت که بزرگترین تصمیمات سر میز شام و قهوه با ردوبدل کردن آدرس و شناخت یکدیگر گرفته می شود و نتیجه این تصمیمات را در سال ۲۰۰۰ می توان دید. رئیس جمهور ایسلند اضافه نمود که جهان با هرچه زیادتتر شدن زنان رهبر، بدتر نمی شود، بلکه بهتر خواهد شد."

## حزب چپ سوئد در دفاع از زنان

حزب چپ سوئد به یک حزب دفاع از حقوق زنان نیز تبدیل می شود. رادیو پژواک در برنامه ۱۸ اردیبهشت گفت که در انگیزه حزب چپ که هفته آینده در حومه استکهلم برگزار می شود برنامه های جدید حزب مطرح خواهد شد. این برنامه ها که شامل ۳۵ طرح و از سوی هیأت برنامه ریزی حزب پیشنهاد شده، بحثهای زیادی را در درون حزب برانگیخته است. تنها طرحی از این برنامه ها که تاکنون در میان افراد حزب با مخالفت چشمگیری روبه رو نبوده، پیشنهاد اضافه شدن فعالیت در جهت احقاق حقوق زنان است. دایره زبانهای اقلیت رادیو سوئد در گفتگویی با گودرون شیمان رهبر حزب چپ از جمله در باره انگیزه ایجاد حزبی برای دفاع از حقوق زنان سؤال کرد.

گودرون شیمان: این به این معنی است که ما می دانیم زنان در چه شرایطی زندگی می کنند. ما از فشار، تبعیض و نابرابری که به آنان تحمیل می شود آگاهی داریم و می دانیم که این فشارها تنها به دلیل جنسیتشان بر آنها وارد می شود و نه چیز دیگر. ما فکر می کنیم این مسأله مهمی است که باید مطرح و اقدامی نیز در جهت رفع آن انجام شود. ما چنین تصمیمی داریم و فکر می کنیم مطرح کردن این موضوع و بحث و گفتگو پیرامون آن نشانگر رشد حزب در این اواخر است.

گودرون شیمان در رابطه با این سؤال که چطور می شود هم به عنوان یک جنبش کارگری و سوسیالیستی فعالیت کرد و هم تشکیلاتی جهت دفاع از حقوق زنان داشت گفت: به عنوان یک سوسیالیست من مخالف هرگونه فشار و تبعیض هستم همینطور مخالف فشارها و تبعیضهایی هستم که در مورد زنان اعمال می شود. من می دانم که باید این دو مسأله را از هم جدا کرد و برای رسیدن به این نتیجه به روشهای گوناگون عمل کرد. مبارزه با فشار و تبعیض بر زنان فعالیتهای خاص خود را می طلبد.

## مدیریت زنان در بورس

فقط ۳ درصد از افراد در مدیریت مؤسسه های بورس، زن می باشند. از ۱۰۰۰ نفر در ۱۶۸ مؤسسه که در موضع مدیریت هستند و مورد سؤال قرار گرفتند، فقط ۳۳ نفر زن می باشند.

این موضوع در تحقیقات وزارت بازرگانی درج گردیده است. در حالی که تعداد زنان نماینده در مجلس سوئد به ۴۴ درصد می رسد. تعداد کمی از این زنان دارای قدرت تصمیم گیری می باشند و از میان تمام این ۱۶۸ مؤسسه فقط یک زن پست مدیر کلی را دارا می باشد که حقوق سالانه او نصف حد متوسط حقوق مدیران مرد می باشد.

Christina Hultbon دکتر اقتصاد علت این نامتعادل بودن تعداد زن و مرد در پست ریاست را قدرت می داند. روزنامه سونسکاداگ بلادت ۲۶/ اردیبهشت/۷۵

## زنان و انتخابات آمریکا

خبرگزاری رویتر ۱۹/۲/۷۵: "سباب دول، کاندیدای حزب جمهوریخواه آمریکا برای انتخابات ریاست جمهوری که در نظرسنجیها بسیار عقب تر از رقیب خود بیل کلینتون قرار دارد، نسبت به محبوبیت خود در میان رای دهندگان زن نگران است. آخرین نظرسنجیها نشان می دهد که بیل کلینتون در میان زنان از محبوبیت بیشتری برخوردار است. ۵۵ درصد زنان از کلینتون و ۳۷ درصد از باب دول حمایت می کنند.

## کنفرانس بین المللی در باره نقض حقوق زنان مسلمان

خبرگزاری آسوشیتدپرس روز ۲۴/ اردیبهشت اعلام کرد که، هژمونی مردان تنها یک مشکل در اسلام نیست، ولی زنان مسلمانی که در باره تاملشان جهت حقوق برابر صحبت کردند، گفتند امیدوار بودند مردان بیشتری در میان جمعیت حضور می داشتند تا به صحبتهای آنها گوش فرا می دادند.

یاسمین مرشد در کنفرانس بین المللی در باره نقض حقوق زنان مسلمان که آخر این هفته در واشنگتن برگزار شد، گفت: "خوب بود که ۵۰۰ مرد نیز در این جلسه شرکت می داشتند، چرا که آموزش و آگاه کردن مردان ریشه مشکلات است". ولی تنها تعداد اندکی از مردان دانشگاهی، دیپلمات، خبرنگار و تکنسین در میان حدود ۲۰۰ شرکت کننده کنفرانس "پکن و فرای آن" که از جوامع مسلمان برای پیگیری هدفها چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن برگزار شد، شرکت داشتند. خانم مرشد رئیس یک واحد غیر حزبی در پارلمان بنگلادش گفت، مشکلاتی که زنان مسلمان با آن مواجه هستند، مثل هژمونی مردان، تنها مختص به اسلام نیست. او گفت: "آنچه ما با آن مواجه هستیم حقوق پایه ای بشر است."

سخنرانان در این جلسه نسبت به پیش داوریهها هشدار دادند و اشاره به تنوع جوامع در اسلامی که شامل اندونزی، بنگلادش، هندوستان، پاکستان و کشورهای عربی، آفریقایی و آمریکای شمالی می شود. در این کنفرانس گفته شد هژمونی مردان در جوامع اسلامی به عنوان یک برداشت انحرافی توسط مردان به نفع خودشان است. به گفته نشریه منتشر شده از سوی انجمن بین المللی زنان که برگزارکننده این کنفرانس است، زنان و مردان در زمان محمد پیغمبر اسلام و نسلهای بعد از او به طور مساوی فعالیت می کردند و از حقوق برابر برخوردار بودند. در این کنفرانس که در دانشگاه جرج واشنگتن برگزار شد، نمایندگان ۲۰ کشور حضور داشتند. آسامخادر یک وکیل و رئیس اتحادیه زنان اردن گفت: "ما می خواهیم نشان دهیم که خشونت علیه زنان یک امر مغایر با قانون است و هم چنین می خواهیم نشان دهیم که مذهب ما این حق را به مردان نمی دهد". روزنامه عراقی بابل در شماره روز ۲۲/ اردیبهشت می نویسد: مهناز اخفی سازمان دهنده این سمینار گفت که در حال حاضر دو نیرو در جامعه اسلامی وجود دارد، بنیادگرایی و ایده برابری بین زن و مرد. وی اضافه نمود: مبارزه بایستی که علیه بنیادگرایی باشد و نه اسلام."

## زنان در پارلمان ایتالیا

یک تلویزیون ایتالیا در برنامه روز ۴ اردیبهشت خود گفت، ترکیب پارلمان جدید ایتالیا برای زنان ناراحت کننده است زیرا تعداد نمایندگان زن در مجلس نمایندگان و مجلس سنا فقط ۸۸ نفر است. در دور قبلی تعداد آنها ۱۲۱ نفر بود یعنی به میزان یک سوم کاهش داشته است (تعداد کل اعضای مجلس نمایندگان و مجلس سنای ایتالیا ۹۴۵ نفر است. نمایندگان زن انتخاب شده عمدتاً از "حزب دموکراتیک چپ" و "جذب احیاء کمونیستی" می باشند.

## جشنواره سینمای آزاد

جشنواره سینمایی تازه بی به نام جشنواره سینمای ایران در تبعید مرکز آلمان، که از این پس هر سال در فراکفورت برگزار می شود نخستین دور خود را از ۱۹ آوریل آغاز کرد و دیشب به پایان رسید. با این جشنواره کانون فرهنگی آئینه و سینمای آزاد ایران مرکز آلمان همکاری دارند و سرپرستی این جشنواره به عهده کارگردان معروف سینما و تئاتر فرهاد مجدآبادی است. در روز اول فیلم داستان مهمانان هتل آستاریا ساخته رضا علامه زاده به نمایش گذاشته شد. روز دوم فیلم هژیر داریوش با عنوان جنگ با سکوت که بگی و ببندهای ماههای نخستین پس از انقلاب اسلامی را تصویر کرده است به نمایش گذاشته شد.

رادیو بی بی سی ۳/اردیبهشت/۷۵

## عباس معروفی در آلمان

رادیو اسرائیل در برنامه روز ۱۴/ اردیبهشت می گوید: "عباس معروفی سردبیر مجله گردون که در ماههای اخیر بارها تحت آزار رژیم جمهوری اسلامی قرار داشت، با خانواده خود ایران را ترک گفته و در آلمان مقیم شده است. دفتر خبری حزب ملت ایران در واشنگتن، در گزارشی که امروز انتشار داد نوشت: عباس معروفی که ۳۸ سال دارد، شب گذشته در شهر کلن در آلمان، یک سخنرانی سه ساعته داشته و ضمن آن اعلام کرده که در حال حاضر قصد ندارد به ایران باز گردد. معروفی تایید کرد که در ماههای اخیر افراد حزب الهی بارها و بارها او و خانواده اش را هدف قرار داده بودند. معروفی در سخنرانی شب گذشته در کلن، از جمله گفت: من به خاطر کار فرهنگی و به خاطر نویسندگی در ایران تحت فشار و آزار قرار داشتم و افزود در جمهوری اسلامی برای چاپ و انتشار کتاب انواع مشکلات در برابر نویسندگان و ناشران ایجاد می شود و بسیاری از نویسندگان در ایران دچار این مشکل هستند. به کتابهای برخی از نویسندگان پس از مدتها اجازه انتشار داده می شود و کتابهای برخی نیز اصلاً اجازه چاپ نمی یابد. بنابراین گزارش معروفی در سخنرانی شب گذشته اعلام نمود که از این پس در پشتیبانی از نویسندگان درون مرزی به اقدامات اعتراضی دست خواهد زد."

## درگذشت یک نقاش ایرانی

حسین کاظمی نقاش معروف ایرانی در پاریس چشم از جهان فرو بست. حسین کاظمی در سال ۱۳۰۳ شمسی در تهران زاده شد و تحصیلات خود را در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به پایان رساند. وی پس از پایان تحصیل مدتی در پاریس اقامت گزید و پس از بازگشت به ایران هنرستان پسران تبریز را تأسیس کرد. حسین کاظمی سالها در دانشکده های هنرهای تزئینی به تدریس اشتغال داشت و پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران به فرانسه بازگشت و در این کشور اقامت گزید. حسین کاظمی در ساعت ۱۶/۳۰ دقیقه بعد از ظهر روز ۱۵/ اردیبهشت در بیمارستانی در شهر پاریس بر اثر عارضه قلبی درگذشت.

رادیو فرانسه ۱۶/ اردیبهشت/۷۵

## حمله چماقداران به سینماها

خبرگزاری فرانسه روز دوشنبه ۱۷/ اردیبهشت اعلام کرد که: " طی روزهای شنبه و یکشنبه

بنیادگرای مذهبی به دو سینما در تهران حمله کرده و علیه یک فیلم "منحط" اعتراض کردند.

حدود ۵۰ نفر روز شنبه به سینمای آستارا در شمال تهران هجوم بردند و خواستار توقف فوری فیلم "تحفه هندوستان" شدند. این فیلم در ایران ساخته شده و توسط بنیادگرایان به عنوان فیلمی که مغایر ارزشهای اسلامی و مذهبی است، توصیف گردیده است. به گفته مطبوعات این فیلم کمدی و بسیار تجارتمندی دارای چند صحنه مبتذل است. روزنامه سلام نوشت پس از این حادثه وزارت فرهنگ اسلامی چهار دقیقه دیگر این فیلم را سانسور نمود. این وزارتخانه تمامی فیلمها را قبل از پخش آنها سانسور می کند. سلام افزود که بنیادگرایان خواستار منع نمایش این فیلم هستند. روز یکشنبه حدود ۶۰ تن از اعضای گروه بنیادگرای انصار حزب الله به یک سینما در مرکز تهران به نام قدس که همان فیلم را نشان می داد، حمله کردند. آنها شیشه های سینما را شکسته و حضار و مسئولان سینما را مورد ضرب و شتم قرار دادند. روزنامه همشهری نوشت یک زن باردار از بالکن به پایین افتاده و زخمی گردید."

## نمایش دو فیلم ناصر زراعتی

دو فیلم مستند ساخته ناصر زراعتی روز جمعه ۲۱ اردیبهشت ساعت ۷ بعد از ظهر در حومه استکهلم نمایش داده شد. به گزارش رادیو پژواک در سوئد این دو فیلم وکیل عاشق، دیداری با سرهنگ جلیل بزرگمهر وکیل مدافع دکتر محمد مصدق و صورتکها، دیداری با نصرت کریمی بازیگر و کارگردان تئاتر و سینمای ایران است.

## فستیوال سینمایی کن

چهل و نهمین دوره جشنواره سینمایی کن روز ۲۰ اردیبهشت با نمایش یک فیلم فرانسوی کار خود را آغاز کرد. ریاست هیأت داوران این جشنواره را کارگردان نامدار سینمای آمریکا، سازنده فیلم پدرخوانده بر عهده داشت. جشنواره کن روز ۳۱/ اردیبهشت به کار خود پایان داد.

رادیو فرانسه در برنامه روز ۳۱/ گفت: "هیأت داوران چهل و نهمین فستیوال سینمایی کن که امشب به پایان رسید، جوایز خود را به این ترتیب اعطا کرد: جایزه نخل طلایی یا مهمترین جایزه فستیوال به فیلم "رازها و دروغها" اثر مایک لی کارگردان انگلیسی. جایزه بزرگ هیأت داوران به فیلم "شکستن اصواج" اثر "لارس وون تریه" کارگردان دانمارکی. جایزه بهترین کارگردانی به ژوئل کوشن برای فیلم "فارگو"، جایزه بهترین هنرپیشه مرد مشترکاً به دو هنرپیشه فیلم روز هشتم دانیل اتوی و پاسکال دوکن، هنرپیشه مونگولی این فیلم. جایزه بهترین هنرپیشه زن به برندا بلتن برای بازی در فیلم "رازها و دروغها"، جایزه بهترین سناریو به ژاک اودیبار کارگردان و فیلمنامه نویس فیلم "قهرمان دروغین". باید اضافه کرد که هیأت داوران فستیوال کن که همیشه از این امتیاز برخوردار است که جایزه بی را به سبب یک ویژه گی خاص به فیلمی اعطا کند، امسال تصمیم گرفت این جایزه را نصیب فیلم "کرش"، فیلم بسیار بحث برانگیز دیوید کروون برگ، کارگردان کانادایی نماید. رئیس هیأت داوران فستیوال، فرانسیس کوپولا علت اعطای چنین جایزه بی را به فیلمی این چنین پرخشونت و پر از صحنه های جنسی بسیار عجیب، شهادتی نامید که کارگردان در تهیه فیلمش به کار برده بود."

## جامعه انسانی، رهبری زنان

معرفی فیلم

## خط آنتونیا

کارگردان: مارتون گوریس

محمول مشترک هلند - بلژیک - انگلستان ۱۹۹۵

برنده جایزه اسکار به عنوان بهترین فیلم خارجی در صفحه ۷

## فیلم گبه در جشنواره کن

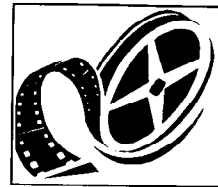
فیلم "گبه" سیزدهمین فیلم محسن مخملباف در جشنواره کن ۱۹۹۶ شرکت داشت.

گبه داستانی جذاب از فرسهای دستباف ایل قشقایی و دیگر هنرمندان محلی ایران است که در نقش رستم و تخت جمشید شیراز فیلمبرداری شده است. مخملباف در مورد گبه گفته است: "می خواستم با این فیلم به همه نشان بدهم که چگونه افرادی با زندگی عادی می توانند چنین آثار هنری و بدیهی را به وجود آورند و زندگیشان در این آثار نقش ببندد." گبه در بخش نوعی نگاه جشنواره کن شرکت داشت. فیلم گبه روز ۲۵/ اردیبهشت (۱۴ مه) در فستیوال کن به نمایش گذاشته شد و مورد تحسین منتقدین بین المللی و رسانه های بزرگ سینمایی کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و ... قرار گرفت. تاکنون ۸ کشور این فیلم را خریداری کرده اند. قرار بود فیلم در اول سپتامبر امسال در پاریس به نمایش درآید. اما گفته می شود که کمپانی خریدار گبه ترجیح می دهد که این فیلم در ژوئن امسال در پاریس به نمایش گذاشته شود.

## انجمن قلم در تبعید

در ماه نوامبر سال گذشته انجمن بین المللی قلم در جریان شصت و یکمین اجلاس خود در پراگ "انجمن قلم ایران در تبعید" را که به کوشش عده بی از ایرانیان اهل قلم در خارج از کشور تشکیل شده بود، به عضویت خود پذیرفت. انجمن قلم ایران در تبعید اخیراً رئیس و هیأت دبیران خود را انتخاب کرده است. احمد ابراهیمی شاعر و از مؤسسين این انجمن، جز هیأت دبیران است. احمد ابراهیمی می گوید: بنا به انتخاباتی که با رای مخفی انجام شد، آقای رؤیایی به عنوان رئیس این انجمن بیشترین آرا را به دست آورد. کسان دیگری که انتخاب شدند خانم شاداب وجدی از لندن، سعید یوسف از فرانکفورت و محمود فرجی از هامبورگ بودند. کنگره بعدی این انجمن بین المللی در نوامبر آینده در مکزیک برگزار می شود. اگر به علت مشکل مالی ما نتوانیم در این کنگره حضور پیدا کنیم اصلاً اهمیت انجمن قلم ایران تا حد زیادی از بین میره. برنامه های دیگری که باید بهش بپردازیم ... کارهایی که بیشتر امکان بده ما آزادی بیان را در ایران و در کشورهای دیگه بتونیم ادامه بدیم.

رادیو بی بی سی ۲۷/ اردیبهشت/۷۵



## جامعه انسانی، رهبری زنان

— سعید کیوان

### خط آنتونیا

کارگردان: مارلین گوریس

محصول مشترک هلند - بلژیک - انگلستان ۱۹۹۵،  
۹۳ دقیقه رنگی، ۲۵ میلیمتری  
برنده جایزه اسکار به عنوان بهترین فیلم خارجی.

در یک مزرعه آرام، جایی در حاشیه کشور هلند، آنتونیا ۹۰ ساله آخرین روز زندگی اش را آغاز می کند. او آرمیده در تخت خواب خود، روزهای پس از پایان جنگ جهانی دوم، زمان بازگشت به دهکده زادگاه خود را به خاطر می آورد. سپس ما در پی زندگی پر ماجرای آنتونیا در طی ۵۰ سال آینده در دهکده اش روان می شویم. همراه با زندگی آنتونیا، ما نظاره گر زندگی سه زن دیگر از سه نسل دیگر یعنی دخترش "دانیلا"، نوه اش "ترسا" و نتیجه اش "سارا" می شویم. همراه با آشنایان ما با عشاق، همزادان، آشنایان و همسایگان دهکده که در جامعه به وجود آمده توسط آنتونیا گرد آمده اند، روبرو می شویم.

به همراه کاشکهای فلسفی فیلم که از طریق شخصیتهای فیلم، کنکاشهای ذهنی کارگردان را بیان می کند، در سراسر فیلم یک عنصر دیگر خود را روشنتر از هر چیز دیگری به نمایش می گذارد. آن عنصر، زن قدرتمند و یا قدرت آشکار زن است. زن به عنوان یک جنس درجه یک. در این فیلم جامعه ای آفریده شده که رهبری زن را بر خود می پذیرد، یا از آن بالاتر. زن رهبری اش را تحمیل می کند و در این جامعه رشد یافته، همه چیز رنگ و بوی انسانی دارد. حتی مردان نیز از این رو که این رهبری را می پذیرند، سعادتمندند. مردان خوار نیستند، رهروند. رهرو مدیر قابل تر و رهبری با کفایت تر. بنابراین از آنرو آرام و رضایتمندند که به آن اعتراف می کنند و بدان تن می دهند.

تصویر بازگشت آنتونیا قیراق پس از جنگ به روستای محل تولدش که شخصیتهای فیلم را یک به یک به دخترش و بیننده معرفی می کند، از ابتدا تفاوت او را با زنان عادی جامعه معمولی (مرد سالارانه) نشان می دهد. زن این فیلم وابسته جنسی و اقتصادی به مرد نیست بلکه این مرد است که در پس راهگشایی زن راضی و خرسند است و آن مرد که رهرو نیست سرانجام جز در غلطیدن به سراسیمه سقوط راهی ندارد. آنتونیا ابتدا خود را در ذهن خود آزاد می کند (البته روند شکل گیری ذهنی و تجربیات خود آنتونیا در فیلم مشخص نیست) و سپس به آزاد کردن پیرامونش اقدام می کند. آزادی "لوتی لپ" توسط آنتونیا و "دی دی" توسط دخترش نیکلا، آغاز شکل گیری جامعه آنان است. این جامعه که ابتدا از مادر و دختر آغاز می شود در انتهای فیلم به تعداد اهالی یک روستا افزایش می یابد. تصویر افراد در هر یکشنبه و یا هر گردهمایی بر سر میز در حیاط خانه آنتونیا نمایانگر

آن جامعه پر روح و نشاط است که فزاینده به صورت مختلف در آن موج می زند. در این جامعه هیچگونه وابستگی وجود ندارد. تعلقات اما تا آن جا که به اسارت منجر نشوند پذیرفته شده اند. آن تعلقات هیچ نیست مگر عشق، که افراد را به یکدیگر و به جمع پیوند می زند. عشق در این فیلم انسانی است و در شکل سمبلیک خود به درجه اعلی جاری می شود. کارگردان آشکارا این را به بیننده می رساند که وجود و دوام این عشق میسر نیست مگر آن که توسط آنتونیا مسئول رهبری شود. این عشق در چنین جامعه ای می تواند در صورت تمایل افراد حتی علیه سنتها و قیودات عمل کند (عشق میان نیکلا و دوست دخترش به مثابه دو همجنسگر). زن در این فیلم صرفاً مادر و همسر نیست که قبل از آن یک انسان مستقل است (آنتونیا به معشوقش که می گوید فرزندان من به صادر احتیاج دارند، پاسخ می دهد اما من به فرزندان تو احتیاج ندارم).

فیلم خط آنتونیا پیامهای بسیار برای بینندگان خود به همراه دارد. در جامعه ای که زن رهبری را عهده دار است عدالت در بالاترین شکلش تضمین می شود. این عدالت اما کاملاً انسانی است. صحنه انتقام آنتونیا از مردی که به "ترسا"ی خردسال تجاوز کرده است، گویای این حقیقت است که آنتونیا در مقام مسئول آن جامعه کوچک تردیدی در اعاده عدالت نمی کند. کارگردان تا اینجا تواناییهای زنان فیلم به خصوص آنتونیا را در خلق و رهبری آن جامعه نشان داده است. اما در این لحظه آنتونیا سلاح به دست در جستجوی فرد بدهکار گامهای استوار را به پیش می راند ولی در نهایت از آنتونیا عملی که مطلوب تماشاچی فیلمهای هالیوودی است سر نمی زند. زیرا آن جا که زن توانا قدرت را به دست دارد، جامعه انسانی تر از آن است که در آن اعدام وجود داشته باشد. عدالت برقرار می شود و بر سر تجاوزکار آن رخ می دهد که اعدام برایش مرحمتی الهی می بود.

در تقابل دیدگاههای فلسفی نیز آن چنان که به آن اشاره رفت، شخصیت "کروک فینگر" به عنوان جزئی از پرداخت آگاهانه رهبری زن در فیلم جای خاصی دارد. علیرغم مباحث فلسفی فیلم که در قالب صحنههای گوناگون از این دست بین "کروک فینگر"، آنتونیا، ترسا و سرانجام کنجکویهای کودکانه سارا به بیننده عرضه می شود. پیام نهایی فیلم، فلسفی نیست و تمامی اینها صرفاً امید به زندگی در مقابل دیدگاه بدبینانه کروک فینگر به زندگی که از نیچه و شوپنهاور سخن می گوید را طرح نمی کند. ظاهراً پیام اصلی فیلم در صحبت پایانی آنتونیا گمان می شود که می گوید: "زندگی پایانی ندارد". اما دیدگاههای فلسفی آنتونیا و "کروک فینگر" را عمیقاً باید در شیوه زندگی و نوع رودررویی آنان با زندگی ارزیابی کرد. در اینجا است که کروک فینگر خوب و دوست داشتنی، مرد علم و دانش که به اندازه تمامی کتابهایش معلومات دارد و نسل اندر نسل فرزندان روستا را آموزش داده است، برای مواجه و فهم آن چه که زندگی نام دارد و گاه ناپرابها و فجایع دلخراش جامعه و طبیعت که معلوم نیست در دست چه قدرتی است، به کتابها پناه می برد. در آن کلبه حقیر با فلسفه وجود و خلقت از طریق مطالعه و تفکر چنگ در چنگ می شود و در این عرصه روز به روز خود را تنها و تنها می بیند. در مقابل، آنتونیا با ابزار عشق و عمل با این پدیده روبرو می شود، رهبری می کند و گرچه مانند کروک فینگر به رمز کل هستی دست نمی یابد، اما رها و عاشق پای در حیطة عمل می گذارد و آن چیز را می آفریند که در

### توضیحاتی در باره پازولینی

آقای جمشید آشوخ، نسخه تصحیح شده ای از ترجمه شعری از پازولینی، شاعر ایتالیایی که در شماره ۱۲۸ "نبردخلق" به چاپ رسیده بود را برای ما ارسال نموده اند.

آقای آشوخ همچنین در نامه خود به دگرگونیهایی که در محتوای شعر مذکور در نتیجه ترجمه از زبان ایتالیایی به انگلیسی و سپس از انگلیسی به فارسی پدید آمده اشاره کرده و توضیحاتی در باره پازولینی و سبک کارش و نیز شرایط اجتماعی ایتالیا در عصر او می دهد. با تشکر و امید به همکاریهای آتی، ترجمه ایشان را در زیر می خوانید:

### به پرچم سرخ

برای کسی که تنها رنگت را می شناسد، ای پرچم سرخ  
تو باید واقعاً وجود داشته باشی، تا آن کس وجود داشته باشد

کسی که از پینه پوشیده بود، پوشیده از زخم است  
رعیت گدا

مرد ناپلی کلابریایی

کلابریایی آفریقایی شده

بی سواد یک گاو وحشی با سگ

برای آن کس که کمی با رنگت آشنا بود ناآشنایی

تو که افتخار پیروزیهای بوژوا و طبقه کارگر بودی  
گم شده ای

بار دیگر مندرس شو تا فقیرترین ترا به حرکت  
درآورد

ذهن آزاد خود دارد..

در این محیط انسانی جایی برای دغل بازی مذهبی وجود ندارد. اگرچه خود آنتونیا در مراسمهای مذهبی و در کلیسا همچون دیگران حضور دارد اما با نقشه ای مانع جانماز آب کشیدنهای کشیش روستا می شود و او را که مستمراً در زندگی دیگران دخالت می کند بر سر جایش می نشاند. همچنین برخورد آنتونیا در دفن کردن زن خرافاتی روزه کش و همسایه پروتستانش در یک قبر مؤید آن است که در این جامعه انسانی علیرغم هر دین، مذهب و اعتقادی، هر کس باید آن گونه که می خواهد زندگی کند.

در این جامعه سمبلیک که هر کس به اندازه توان خود کار می کند و هر کس به اندازه نیازش استفاده می کند، همه راضی و خوشحالتند. اما در همین جامعه همه چیز در کار و برداشت خلاصه نمی شود. هنر به مثابه عالی ترین تراوش ذهن و تکامل انسان جای ویژه ای در این جامعه تحت رهبری زنان دارد. "دانیلا" نقاش و مجسمه ساز، و "ترسا" آهنگساز است. نماهای متفاوت این دو در فیلم گویای این حقیقت است که هنر برای آن دو نه سرگرمی که مشغله ذهنی و کار اصلی به حساب می آید. این چنین است که در این جامعه پویا، زن در بام تاریخ جای می گیرد و به گذشتگان می نگرد (صحنه های پایانی فیلم که رزا به عنوان نسل چهارم در نماهای بالا از قبیل بام، بر سر بسته های کاه و یا طاقچه می نشیند و به دیگران می نگرد).

به راستی آیا "مارلین گوریس" با آفرینش چنین شخصیتهایی در غالب یک روایت غنی و ساختاری محکم در یک جامعه سمبلیک در پی رساندن این پیام نیست که چنین جامعه و روابطی که همه عناصر سوسیالیسم را در خود دارد، بدون رهبری زنان قابل حصول نیست؟

با تشکر از رفیق عبدی هزارخانی که در تهیه و تصحیح این مطلب مرا یاری رساند.

فروردین ۷۵



## نژادپرستی، چهره دیگری از بنیادگرایی

— مهرداد قادری

می‌زنند". با کمال تأسف باید گفت که "ابه پیر" مرتکب دو اشتباه بزرگ می‌شود، ابتدا به بدترین وجهی به سوی دیدگاه‌های بنیادگرایان کشیده می‌شود و در نهایت نظرات کلیسای کاتولیک، پس از رفرم شورای واتیکان در سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ را نفی می‌کند. یکی از تصمیمات بارز شورای واتیکان دوم، لغو اتهام و حکم طرد قوم یهود که از جانب مسیحیان به "خدا کشی" متهم بودند، است. به همین دلیل و دیگر دلایلی که مهمترین آنها سلسله مراتبی است که در واتیکان از آن به گونه‌ای تقریباً نظامی پیروی می‌شود بود که "ابه پیر" تحت فشار شورای اسقفهای فرانسه و خود واتیکان، ناچار به عقب نشینی از مواضع خود شد. او پس از به اصطلاح "توبه" اجباری می‌گوید: "کلیه کسانی که به نوعی تراژدی یهودیان را نفی می‌کنند و به بازی می‌گیرند یا به وجهی لوٹ می‌کنند را محکوم می‌کنم. این لکه تنگی ست که برای همیشه بر چهره تاریخ قاره ما خواهد ماند".

همان طور که قبلاً اشاره شد در مورد "هولوکاست"، تا آن جایی که به ارقام و زمان بندیهای تاریخی مربوط می‌شود. به صورتی تاریخی مورد تحقیق قرار گرفته و می‌توان گفت که جای ابهام در این مورد وجود ندارد. در صورتی که امروز نیاز مبرم به نوعی دیگر و بعدی دیگر از پژوهش احساس می‌شود و آن در ابعاد اجتماعی، روانکاوانه و روانشناسانه این پدیده است. "آندره گلوکسمن"، فیلسوف فرانسوی در این مورد می‌گوید: "ابه‌یادی از "هولوکاست" در تاریکی به سر می‌برد، مثلاً چگونه ملتی با تمدن شیره‌ها، گوت‌ها و... توانست این چنین کولیها، یهودیها و همجنس‌گرایان را کستار کند؟ این مسئله ای است که باید حل شود و گر نه "آشوویتس" همچنان ادامه دارد". آری، در مقابل فعل و پدیده، ارقام کمترین ارزش را پیدا می‌کنند، باید به جستجوی مسئولیتها پرداخت. باید به چگونگی امکان وقوع چنین کشتاری در اروپا و در اوج سکوت همه جانبه پرداخت. مدارک و اسناد تاریخی در این مورد هیچ گروه و دسته و نهادی اعم از مذهبی و غیر مذهبی را تبرئه نمی‌کند. از واتیکان و دموکراسیهای اروپایی تا صلیب سرخ جهانی. درست در این ابعاد از تراژدی تحقیقات تاریخی ادامه دارد و هیچ کس خواهان پیش گیری از آن نیست و نمی‌تواند باشد.

"تام سه گو" اتریشی که به طور مداوم مورد حمله بنیادگرایان یهودی بوده، در مورد منکران این پدیده تاریخی به درستی می‌گوید: "این افکار چیزی جز پورنوگرافی فکری و آشغال تاریخی نیست". نباید فراموش کرد که در مقابل تفکر رومیونیستی و ضد یهودی، نگرش دیگری نیز وجود دارد که دقیقاً واقعیتها را واژگونه کرده و به اسطوره کردن "هولوکاست" می‌پردازد. در شرایط تاریخی حاضر شاید بیشتر به قراردادن این مسئله در چارچوب رویدادها نیاز باشد تا به اسطوره یا تابو کردن آن.

این گونه برخورد با مسئله "هولوکاست" از سوی بخشی از جامعه یهودیان و بخشی از روشنفکران آن همچون "دانیل جوناه گله هاگن" که چندی پیش در کتابی تحت عنوان "عاملان خودآگاه هیتلر" سعی در مجرم شناختن تمام مردم آلمان دارد، به چشم

رسیده و البته بر سر ابعاد مختلف آن بحث و تحقیق هنوز ادامه دارد. به عنوان نمونه بر سر ارقام این تراژدی: آیا تعداد قربانیان این کشتار دسته جمعی ۵،۸۶۰،۰۰۰ نفر است یا آنگونه که نهادهای اسرائیلی اعلام می‌کنند این رقم مرز شش میلیون نفر را پشت سر می‌گذارد؟ آیا نازیها کشتار دسته جمعی یهودیان را از سالهای ۱۹۳۰ و پیش از آن خود هیتلر در کتاب "نبرد من" تئوریزه می‌کردند یا شروع آن دقیقاً به آغاز بهار ۱۹۴۱ و تصمیم به اشغال شوروی برمی‌گردد؟

آیا جمله Endlosny (راه حل نهایی) که برای اولین بار در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۴۲ در کنفرانس "وان زه" در برلن از آن استفاده شد را می‌توان به عنوان تاریخ شروع این تراژدی محسوب کرد؟

کوشش در پاسخگویی هرچه دقیقتر به این مسائل، مفهوم تحقیق تاریخی دارد. اما زمانی که از انکار وقایع سخن به میان می‌آید، چنان که گارودی به انکار اتاقهای گاز می‌رسد، به جرأت می‌توان گفت که مرز رومیونیسم تاریخی ضد یهود در نور دیده شده است.

گارودی برای جانداختن تزهایش به کشف آب گرم هم نائل شده و مقوله ای که کلیه محققان با آن موافقت دارند را به مثابه کشف خود اعلام می‌کند! او می‌گوید: "یهودیان تنها قربانیان نازیها نبودند". بسیار خوب هیچ منبع تاریخی معتبری تاکنون ادعای یگانه بودن یهودیان در کشتار دسته جمعی را نداشته و برعکس همیشه سخن از گروهی که عبارتند از: یهودیان، کولیها، سوسیال دموکراتها، آنارشئیستها، کمونیستها، شاهدان یهود، خلاف کاران عادی و "ضد اجتماعیهایی" که شامل همجنس‌گراها، ولگردها و دستفروشا می‌شده‌اند، در میان بوده است. به سخن دیگر، هر فرد یا گروهی که می‌توانسته به شکلی خطری برای نازیسم محسوب شود، در لیست قربانیان قرار می‌گرفته است. تنها تفاوتی که می‌توان میان بخشی از این گروه با بخش دیگر قائل شد این است که در حالی که بخشی از آنها به خاطر عقایدشان مورد خشم نازیها قرار گرفته بودند و شاید می‌توانستند با تغییر آن خطر را از سر بگذرانند، از کولی‌ها، هم جنس‌گرایان و یهودیان به دلیل شرایط بالفعل آنها یعنی طبیعت غیر قابل تغییرشان، این امکان سلب شده بود.

دلیل اصلی این کشتار و قتل عام از سوی نازیها البته از جهان بینی آنها نشأت می‌گرفت که تاریخ را مبارزه نژادها می‌دانستند که در پی آن نژاد برتر (آریا) می‌بایست این برتری را به اثبات برساند و دقیقاً در چارچوب این دیدگاه با کمونیستها و مخالفان سیاسی اصولاً به عنوان مسئله نژادی برخورد نمی‌کردند.

پس گارودی تنها دچار رومیونیسم نیست بلکه کمر به تحریف بارزترین رویدادهای تاریخی بسته است. برای رسیدن به دلایل اصلی که در پس تزه‌های او پنهانند، ناچار به ارائه توضیحاتی هستم که در ادامه به آنها می‌پردازم.

اما "ابه پیر" که در دفاع از عقاید او می‌گوید: "گارودی حق دارد، چرا که شرایط آنچنان غیر قابل تحمل است که هر کس به یک یهودی بگوید بد آواز می‌خوانی، فوراً به او مارک ضد یهودی بودن

ما بازماندگان، شاهدان واقعی اردوگاههای نازی نیستیم. و این باوری بسیار دشوار است. من با خواندن خاطرات دیگران و بازخوانی خاطرات خود به فاصله چندین سال، اندک، اندک، به این واقعیت آگاهی یافتم.

ما بازماندگان، اقلیتی عادی و کوچکیم، کسانی هستیم که به خاطر حیل‌گری، هوشیاری یا شانس به آخر راه نرسیدیم. کسی که رسید، آن کس که گورگون را دید، باز نیامد تا تعریف کند یا لال برگشت.

پریمولوی (نویسنده ایتالیایی)

دو شخصیت کاملاً متفاوت، هم در گذشته و هم حال، یکی نماد کلیسای "مسیح بی‌خانمانها" و نوک تیز دفاع از حقوق پایمال شده کسانی که جوامع مدرن، فرصت تأمل در حالشان را ندارند، کسی که اکثریت فرانسوی‌ها او را به مقام "پدری" ارتقا داده‌اند: ابه پیر. دیگری، فیلسوف و استاد "تفکر". فردی که بیشتر به یک راز سر به مهر شباهت دارد. در رابطه با او همیشه در برابر گذشته ای بی ارتباط با حال قرار داریم: پارتیزان سابق، کمونیست سابق و استالینیست سابق. همین که به حال نظر می‌افکنیم، پیش رو بنیادگرایی مسلمان را می‌بینیم که به ستایش خمینی می‌نشیند: روزه گارودی.

با وجود ریشه و ساختار فرهنگی متفاوت، این دو طی هفته‌های گذشته در انکار رویداد تاریخی "هولوکاست"<sup>(۱)</sup> و سوزاندن دسته جمعی یهودیان، اشتراک نظر یافتند.

گارودی اخیراً در کتابی تحت عنوان "اسطوره‌های بنیان گذار دولت اسرائیل" می‌نویسد: "یهودیان تنها قربانیان نازیسم نبوده و طرحی از سوی هیتلر برای از بین بردن دسته جمعی آنها وجود نداشته و اصولاً آرمانهای بنیانگذار کشور اسرائیل، از همان دوران مسیح، بر جنگهای تجاوزگرانه بنا شده بود".

از دیدگاهی صرفاً تاریخی می‌توان گفت که ما شاهد بیداری رومیونیسم تاریخی ضد یهود می‌باشیم. شباهت و نزدیکی این برداشتها با تزه‌های تجدیدنظر طلبانی ولو از او معتبرتر همچون "ایروینگ" و دفاع اولیه "ابه پیر" از این نظرات بار دیگر خبر از اتحاد شوم بنیادگرایی‌های مختلف می‌دهد.

در وحله اول به نظر می‌رسد - همان طور که ابه پیر به این دام افتاد - نوشته گارودی یک تحقیق تاریخی است، که البته چنین نیست. اگر تاریخ و تحقیق را به عنوان علم بپذیریم، ناچار شرایط و نشانه‌های متمایزکننده آن را نیز باید پذیرفت. یکی از شرایط دید علمی، منطقی بودن آن است. منطقی بودن در تحقیق تاریخی نیز به مفهوم کم بها ندادن به اطلاعات و دستاوردهای جدید و مردود شماردن آنها فقط به هدف دفاع از استنباطات و اعتقادات از پیش کسب شده می‌باشد. در حلاء چنین استحکاماتی، در برخورد با مقوله‌های تاریخی حتی تا مرز نفی رویدادها و دلایل نقش گرفتن آنها در بستر تاریخ می‌توان پیش رفت. همچنان که گارودی در مورد "هولوکاست" این راه را طی کرد.

دقیقاً بر همین اساس، در رابطه با "هولوکاست" نیز تحقیق تاریخی تاکنون به نتایجی بسیار "منطقی"



## نژادپرستی، چهره دیگری از بنیادگرایی

بقیه از صفحه ۸ می خورد. ظاهراً تز گارودی و تز دانیل جوانه، ضد یکدیگرند اما در حقیقت از یک نوع سیستم برداشت و تحقیق تاریخی نشأت می گیرند. اسطوره و تابوی "هولوکاست"، ریشه در دلایل تاریخی دارد اما علت اصلی آن را می توان در جانداختن نظریه ای در افکار عمومی دانست که نیاز مبرم به ایجاد یک دولت یهودی را ترویج می کرد و اکنون پس از رویدادهای تاریخی اخیر و پروسه صلح در خاورمیانه می توان گفت که دیگر از جایگاه تاریخی برخوردار نیست. متعاقب این سیاست پایه ای بود که به گفته "سه گو"، صهیونیستها "هولوکاست" را مونولیزه و به یکی از دلایل اصلی حقانیت خواسته های خود تبدیل نمودند و بدینگونه این مسئله به صورت بخش غیر قابل تفکیک هویت ملی اسرائیلیها درآمد. در تعریف این مکانیزم وی می گوید "امروز در اسرائیل یک کودک هشت ساله که از پدر و مادر مهاجر مراکشی به دنیا آمده می گوید که بازمانده اتاقهای گاز است. پس نفی و اسطوره ساختن "هولوکاست" دو روی یک سکه هستند."

اما در باره انگیزه تره های رویزیونیستی گارودی. او بی شک تیزبین تر و دانشاتر از آن است که از روند تاریخی این مسائل بی اطلاع باشد. پس چرا این چنین دست به آشفته ساختن وجدانها می زند؟ در یک کلام می توان این گونه گفت که او قیل از این که فیلسوف و محقق باشد، بنیادگرا و مرتجع است که از سالها پیش سر به عیا و نعاین امام شیدان گذاشته است. برای روشن کردن اهداف گارودی بایستی به رویدادهای اخیر در خاورمیانه و حمله اسرائیل به نوار مرزی لبنان رجوع کرد. در گریودار اجلاس بین المللی شرم الشیخ و تشنجات در لبنان، گارودی اسرائیل را با نازیها و حزب الله را با پارتیزانهای ضد فاشیست ایتالیا و فرانسه مقایسه کرد. در عین حال هر جا که امکان داشت تاکید می نمود که: حتی در اجلاس شرم الشیخ هم هیچ مدرکی حاکی از پشتیبانی رژیم ایران از تروریسم ارائه نگردید. اینجاست که نقش او و ترفند جدید رژیم ایران که قاعدتاً باید در مراحل آغازین خود باشد، روشن می گردد. چنین به نظر می رسد که رژیم جمهوری اسلامی، دفاع از ماهیت تنگین خود در صحنه بین المللی را به عده ای از روشنفکران و بخشی از چپ اروپایی واگذار کرده است. روشنفکران و چپهای به اصطلاح اجتماعی، حداقل در یک مسئله با فقهای تهران به طور تاکتیکی متحدند و آن سد کردن پروسه صلح در خاورمیانه و کارشکنی در سیاست عرفات است و این راهی است که به ناگزیر به دفاع از رژیم ایران و حمله به سیاستهای دولت سویالدموکرات اسرائیل ختم می شود. این دسته از روشنفکران که اغلب در اروپا به سر می برند، به طور ناخودآگاه - که گارودی به خوبی آنها را نمایندگی می کند - یا خودآگاه، چنان سرمست از نسبیت گرایی فرهنگی که در گذشته سلاحی علیه قوم گرایی فرهنگی و در دفاع از خواسته های به حق ملل جهان سوم بود، هستند که دیگر بین المللهایی همچون آزادی و حقوق بشر را از یاد برده اند و در نتیجه به دفاع از هر رژیمی که در بیان خود را ضد امپریالیسم معرفی می کند و یا فریاد در خطر بودن

استقلالش را می کشد، برمی خیزند. این روشنفکران و چپهای اجتماعی البته به دلیل ناتوانی از تطبیق افکار و تحلیلهایشان با شرایط حال، کماکان پشت دیوار برلن باقی مانده و در عزای کشورها و سیستمهای برادر، فعلاً به ایران و شرکا دل خوش کرده اند. چرا که آخرین سنگر تخیلات آنها یعنی کوبا نیز شروع به گشودن دریچه ای به سوی آینده کرده است. آن به شعارهایی از قبیل "مرگ بر آمریکا و اسرائیل" یعنی چیزی که امروز جز ابزار باستان شناسی چپ اجتماعی نیست، بسنده می کنند. البته با کمی دقت مشاهده می شود که آنها همزمان به دفاع از سیاستهای پنهان و آشکار کشورهای خود که درگیر تضادهایی بر سر مسائل استراتژیک اقتصادی با ایالات متحده آمریکا می باشند، می پردازند. گویی که ایتالیا، فرانسه، آلمان، انگلیس و دیگر کشورهای صنعتی اروپا آنگونه که آنها می گویند امپریالیست و پیرو سیاست اقتصادی و اقتصاد سیاسی بازار نیستند. کافی است بدانیم که گارودی بخش اعظم جنجالش را پس از سفر پر بار - اقتصادی و سیاسی - ژاک شیراک به لبنان به راه انداخت. او می گوید یهودیها می خواهند کاری کنند که جهان فراموش نماید نازیم جنایتی علیه بشریت بوده است. عجب! این که آیا یهودیان این کار را می کنند یا نه، آنچنان که او می نمایاند واضح و روشن نیست، در صورتی که سرپوش گذاری بر جنایات رژیم قرون وسطایی ملاها و نادیده گرفتن پایمالی حقوق دموکراتیک و ابتدایی مردم ایران از جانب ایشان کاملاً ملموس و روشن است. گارودی البته در گل آلود کردن آب و ماهی دلخواه گرفتن بسیار ماهر و زبردست است. از طرفی با ماسک تحقیق علمی و تاریخی در مورد "هولوکاست" به صحنه می آید و همزمان این به اصطلاح تحقیق را با نیازهای سیاسی روز جمهوری اسلامی تطبیق داده و در تلاش مظلوم جلوه دادن حزب الله و شیطانی نمودن سیاستهای دولت اسرائیل می باشد. و این در حالی است که هیچ کس نه در داخل و نه در خارج کشور اسرائیل انتقاد از سیاستهای دولت اسرائیل را ممنوع نمی داند و حتی همین حملات موشکی اخیر به مردم عادی در لبنان را نیز هم ما و هم دیگر نیروهای دموکراتیک در سطح بین المللی محکوم کردند. پس این جا مسئله انتقاد از اسرائیل و محکوم کردن سیاستهایش نیست، اگر چنین بود می بایست آقای گارودی سالها پیش و در خلال حکومت دست راستی لیکود و افتضاح "ایران کنترال" دست به قلم می برد. در واقع نکته اصلی، ضد یهود بودن یا نبودن است و در این جا با کمک ایشان، نوعی نژادپرستی اسلامی هم بروز می کند. اغلب ناظران سیاسی که به انتقاد از سیاستهای اسرائیل می پردازند، به مسائل دیگر منطقه نیز توجه دارند. یکی از این نکات به طور مثال رادیوگرافی سیاسی لبنان و این که دولتی به این نام وجود حقیقی، مگر برای استفاده های سیاسی سوریه ندارد است. مسئله دیگر این که اگر پارتیزانها و مقابله گارودی در منطقه اظهار وجودی می کنند جز در راستای سیاستها و نیازهای سوریه و ایران چیزی دیگری نیست.

گارودی بهتر می داند که حضور حزب الله در لبنان، رابطه ای با مبارزه برحق مردم فلسطین نداشته و تنها

به عنوان عامل فشاری در محاسبات سیاسی منطقه، توسط ایران و سوریه مورد بهره برداری قرار می گیرد و در نهایت هدفی جز کارشکنی و به شکست کشاندن روند صلح خاورمیانه ندارد. در فرانسه و ایتالیا، پارتیزانها برای آزادی خود و دیگران جان فدا می کردند در حالی که حزب الله و آن سوپرمارکت وحشتی که آقای گارودی مشتری آن است (رژیم ایران) دقیقاً علیه آزادی مردم گام برمی دارند. به نظر می رسد گارودی بیشتر از آن که اسلام آورده باشد، خمینی آورده! در غیر این صورت به عنوان مسلمان، در مقابل کشتار آزادیخواهان و مردم بی گناه و مسلمان در ایران سکوت اختیار نمی کرد. حال اگر او دست نفاذده سیاستهای جدید "فرهنگی" رژیم تهران نیست، پس چرا ارسال پولیتیکسی که امروز در خاورمیانه جریان دارد را با برداشتهایی از تاریخ بر سر میثله ای مشخص و بی نهایت روشن در دو بعد تاریخی و تحقیقی آن درم می آمیزد؟

بدون شک این ترفندهای رژیم، همانگونه که در درون ایران هیچ نتیجه ای برای "امام راحل" نداشت، در خارج نیز جز افتضاح برای رژیم و عاملانش ثمری نخواهد داشت. آقای گارودی! بدانید که هم پالکیهای بومی شما از قبیل ابراهیم یزدی و شرکا سالهاست که این نقاب از چهره شان برداشته شده است. در نتیجه بهتر بود برای این گونه بازیها، تاریخ را زحمت نمی دادید.

در پایان نکته ای را باید اضافه کرد و آن سکوت هموطنان کلیمی و کمیسیون ادیان شورای ملی مقاومت در قبال این اظهارنظرها و لجن پراکنیهاست. در شرایطی که این بحث از آمریکا تا اروپا همه گیر شده بود، هیچ گونه واکنشی از سوی این هموطنان عزیز نه از بیرون و نه از درون شورای ملی مقاومت دیده نشد و این در حالیکه هم میهمان کلیمی ما در این کشاکش به طور مضامفی (ملی و عقیدتی) مورد توهین قرار می گیرند.

ما وظیفه انقلابی و دموکراتیک خود می دانیم که به دفاع از حقوق عقیدتی و دموکراتیک کلیمیان ایران بپردازیم. زیرا امروز آنها را نشان رفته اند، دیروز کمر به کشتار بهائیان بسته بودند و فردا نوبت اقلیت فکری یا دینی دیگری است. فراموش نکنیم که رژیم جمهوری اسلامی در وحله اول رژیمی ایران برانداز و ایرانی کش است. علاوه بر این که این گونه نژادپرستیها و آفاتایدیهای اجتماعی می توانند در جوامع تحت فشار به کانال خروج نارضایتیهای اقتصادی - اجتماعی تبدیل شده و توسط حکومت به ابزاری بسیار خطرناک برای درگیریهای اجتماعی که خود او را هدف قرار نمی دهند و غیر مستقیم به ادامه حیاتش یاری می رسانند، بدل گردند.

### زیر نویسها:

۱. زن افسانه ای میتولوژی کلاسیک که گیسوانش مار بود و هرکس به آنها می نگریست، سنگ می شد.
۲. این اصطلاح برای توضیح سوزاندن دسته جمعی یهودیان و مدت زمان تاریخی ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳ (زمانی که هیتلر به صدراعظمی آلمان برگزیده شد) تا ۸ مه ۱۹۴۵ (پایان جنگ دوم جهانی) را به کار برده می شود.

## مرگ بر امپریالیسم، زنده باد سرمایه‌گذاری خصوصی

— علی ناظر

گزینش امروز، چشم انداز فردا  
— منصور امان

آنگونه که من از مطلب آقای ناظر استنباط می‌کنم وی میان دستور کار و وظایف روز سازمان، و جهت گیری استراتژیک آن تناقض می‌بیند و بدان در دو حیطه (سیاست انتظامی در شورای ملی مقاومت و سیاست اخص سوسیالیستی) اشاره می‌کند. من نیز در کادر همین بحث حرکت خواهم کرد اما نخست توضیحاتی پیرامون مواضع سازمان را برای ورود به موضوع ضروری می‌دانم، زیرا به نظر می‌رسد ما به اندازه کافی ترمهای نظری خود را تشریح نکرده ایم. در ابتدا، به ناگزیر به یک موضوع تکراری اما برای بحث با کلیدی، می‌پردازم. ما روشهای چگونگی برخورد با معضلات و پیچیدگیهایی که با آنها روبرو هستیم را از مجموعه ویژه گیهای جهان مادی پیرامون خود کسب می‌نماییم. در این محدوده با تالابی به نام اجتماع، سیاست، اقتصاد و ... روبرو نیستیم. بلکه ارگانیزمی دینامیک، پویا و قانونمند را در برابر خود داریم که بنا بر سرشت هر حیات مشهود، هر گام آن برای جای گرفتن در محیط، همزمان گامی در جهت غلبه بر آن است. امری که از جهت عام پدیده‌ها به سوی گذار از اکنون محدود به گسترش کیفی آتی خبر می‌دهد. این مسیری ست که بی شک بدون چیرگی بر عناصر شکل گرفته و جا افتاده محیط و ساختار کهن و اساسا خود این کارزار به طور فی نفسه، هموار نخواهد شد. چرا که موجودیت عنصر نو همراهِ با تعیین و تقابل کهنه شکل می‌گیرد. از کمیت و کیفیت تصادم تاثیر می‌پذیرد و هویت جداگانه آن تثبیت می‌شود.

در این کارزار همان گونه که آقای ناظر به درستی بیان می‌کند نمی‌توان همزمان در دو جبهه جنگید. و از همین رو آن گاه که مانع فراروی، زائده یا بخشی از یک سند بزرگتر است می‌بایست به اهم و فی‌الهم کردن اهداف پرداخت. متد مارکسیستها ارزیابی تضادها بر حسب اصلی، عمده یا فرعی بودن آنهاست. فراره پروسه رویش یک پدیده تضادهای بسیاری وجود دارد اما تنها حضور و شکل گیری یکی از آنها فاکتور اصلی در پیدایش و رشد سایر تضادهاست. این عامل که ما آن را تضاد عمده یا اصلی می‌نامیم بر موجودیت تضادهای دیگر تاثیر گذاشته و نقش مسلط و رهبری کننده را ایفا می‌نماید. در چنین حالتی تضاد فرضی دارای دو جهت خواهد بود. جهت عمده و جهت یا جهت‌های پیرو. شناخت تضاد اصلی فقط در جلوگیری از پراکندگی نیرو و تمرکز آن اهمیت خود را کسب نمی‌نماید بلکه مسئله اتخاذ اسلوب و تاکتیک مشخص نیز در این رابطه جایگاه ویژه‌ای احراز می‌نماید. هر تضاد مشخص، راه حل مختص به خود را می‌طلبد و به هیچ عنوان نمی‌توان برخورد واحدی به دو جهت مختلف تضاد داشت.

حال اگر به مورد مشخص ایران بپردازیم به سادگی درخواهیم یافت که تضاد عمده جامعه ما رژیم ملامت و تضادهای دیگر چه داخلی و چه خارجی از اهمیت درجه دوم برخوردارند. به همین دلیل نیز برنامه حداقل سازمان، خواهان یک تحول دموکراتیک به منظور غلبه بر آثار و نتایج آتی و تاریخی حکومت‌های استبدادی اکنون و گذشته کشورمان می‌باشد. پذیرش پلانفرم شورای ملی مقاومت در این راستا ناشی از درک این واقعیت است که بدون یک دگرگونی کیفی در رابطه‌ی موقعیت شهروندی و ساختار دولتی، اصولا هیچ سخنی از تکامل روابط اجتماعی در عرصه‌های بنیادی اقتصاد نمی‌تواند در میان باشد

بقیه در صفحه ۱۲

سازمان را هم در بر می‌گیرد) به دعوت کلیه سرمایه داران و تجار می‌پردازد و دست همکاری به سوی تمام سرمایه داران ملی دراز می‌کند و تأیید می‌کند که "در ایران فردا، بازار و سرمایه داری ملی، مالکیت شخصی و خصوصی و سرمایه گذاری در جهت توسعه ملی و رشد تولید تضمین خواهد شد" (مریم رجوی ۲۶ خرداد ۷۴ - دورنمود). و از طرف دیگر همین سازمان، خط مشی خود را بر مبنای براندازی امپریالیسم به سرکردگی آمریکا تنظیم می‌کند. به زبانی ساده تر: سازمان به سرمایه داران (چه ایرانی و چه خارجی) اعلام می‌کند که ما و سازمانمان، در اوائل بعد از انقلاب ضد دیکتاتوری مذهبی، به علت خراب بودن اقتصاد، و به هم ریختگی و ورشکستگی مملکت خود به کمک کلیه آحاد و اقشار ملت احتیاج داریم، و با سرمایه گذاری خصوصی (هر چند که اولین گام در خوش آمدگویی به امپریالیسم است.

بقیه در صفحه ۱۱

سوم و یا یک چهارم یا یک پنجم بنا کنند میباد که زن چشمش بر آتش بیفتد. در قسمت دیگری، فرکارد پانزده می‌گوید: چند گناه هست که اگر کسی مرتکب شود و اعتراف نکند و یا طلب بخشش نکند مرتکب را بدکار می‌کنند؟ ... چهارمین گناه آنست که مرد با زنی که خونریزی دارد، چه به طور معمول و یا عادت ماهانه، هم آغوشی نماید این گناه او را بدکاره می‌کند.

جان هیئلز در کتاب افسانه‌های ایرانی در صفحات ۵۷ و ۵۶ می‌گوید: در زندگی روزانه یک فرد عادی یکی از معمولترین نوع آلودگی عادت ماهانه زنان است. به خاطر مواد مرده‌ای که در اوست و خونریزی که دارد. خیلی از مذاهب و فرهنگها دستوراتی دارند که به زن می‌گویند در این دوران چه می‌تواند و چه نمی‌تواند بکند. در مذهب زرتشت اگر یک زن وارد مکان مقدس شود و با آتش مقدس یا مغ روحانی و یا حتی با افراد دیگر منجمله اعضا، خانواده‌شان تماس داشته باشد به منزله پخش آلودگی و حضور اهریمن است.

هدف این نیست که زن را غیر اخلاقی بدانند بلکه او را یک قربانی ناخواسته حمله‌های مرگبار یک روح خرابکار فرض می‌کنند. بدین ترتیب او باید در اطاق یا ساختمان جدا زندگی کند، لباس و وسایل غذاخوری جدا داشته باشد که در آن دوران استفاده کند. در عمل در حقیقت این اطمینان را به زن می‌دهند که در دورانی استراحت کند که به آن احتیاج دارد. ولی همچنین محدودیتهای جدی اجتماعی هم بر دوش زن می‌گذارند که زنان زرتشتی در طی سالها یا بردباری به عنوان وظیفه‌ای برای مقابله با اهریمن تحمل کرده‌اند.

مذهب بعدی که به این مبحث به تفصیل می‌پردازد مذهب یهودی با کلمی است که در کتاب تورات قسمت سفر لاولیل ۱۹ و ۱۵ می‌گوید: وقتی زنی عادت ماهانه دارد، برای ۷ روز نجس است. هرکس هم با او در تماس باشد تا غروب آفتاب کثیف است. بر هر چیزی که بنشیند و یا دراز بکشد نجس می‌شود. هر کس که تخت او را دست بزند و یا هر جایی را که او نشسته، باید لباسهایش را بشوید و حمام بگیرد و تا عصر آن روز کثیف است. در همین فصل که عموماً به مبحث نجاسات اختصاص داده شده ادامه می‌دهد که: اگر مردی با زنی در هنگامی که زن عادت ماهانه دارد عشقبازی

بقیه در صفحه ۱۴

سازمان طی بیانیه‌ای به مناسبت اول ماه مه، اعلام می‌کند که "..... طی یک قرن گذشته، به جز دورانهای بسیار کوتاه، بورژوازی ایران و دولت‌های دیکتاتوری سلطنتی و مذهبی هیچگاه به طور صریح حقوق دموکراتیک کارگران را به رسمیت نشناخته‌اند...." (نبرد خلق ۱۳۱). منصور امان، در پی نشستهای کمیته مرکزی، و چاپ اطلاعیه سیاسی سازمان که در نبرد خلق (۱۳۰) به چاپ رسید به بحث در مورد دو شعار محوری "نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی، و زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم" می‌پردازد.

ساختار بحث

نویسنده به عنوان فردی خارج از گردونه "چپ" و "مارکسیسم" با معضلی به نام یک بام و دو هوا روبرو شده است. از یک طرف آقای ابراهیم مازندرانی، مسئول کمیسیون اصناف، در صفحات ضمیمه ایران زمین (۹۲) به نقل از رئیس جمهور برگزیده شورا (که

## وضعیت زن در مذاهب مختلف

— گردآورنده: رویا

زنان و قوانین مربوط به آنان مانند ازدواج، طلاق، عادت ماهانه، حاملگی و ارث از جمله مواردی است که در مذاهب مانند زرتشتی، کلیسی، مسیحیت، اسلام و بهایی بدان پرداخته شده است. هدف از این تحقیق حمایت و یا انتقاد از مذهب یا مرام خاصی نیست. بلکه به بحث گذاشتن مطالبی است که سالها مسکوت گذاشته شده است. عدم برخورد جدی با این قوانین، نهایتاً، به ضرر زنان تمام شده و عامل بازدارنده برای حرکت پیش رونده زنان بوده است. عقاید نیروهای بنیادگرا و پیاده کردن آن در جامعه، سنتها و خرافات را به صورت قانون درآورده و زندگی را برای زنان مشکل نموده است. تعبیر صحیح از قوانین و به بحث گذاردن آن می‌تواند این قوانین را به نفع زنان تغییر دهد. چنان که زنان یهودی توانستند نهایتاً حتی ربای زن را منسوخ گردانند، همچنین زنان زرتشتی، قوانین را معتدل تر نموده و از شاخه هندی جدا شده و قوانین را به نفع زنان تعدیل نمودند. در این بخش از این تحقیق فقط به توضیح قوانین می‌پردازم و دفاعیه‌هایش را به نظرات و نامه‌های خوانندگان واگذار می‌کنم. باشد که مبارزه برای احقاق حقوق زنان را با هم بسازیم و به جلو ببریم. در بخشهای بعدی این تحقیق به سایر مباحث خواهم پرداخت.

اولین موضوع مرحله بلوغ زن و پدیده طبیعی

عادت ماهانه برای زنان سالم است.

این پدیده در بعضی مذاهب زیر عنوان نجاسات بحث گردیده است. این قانون طبیعت که به زن قدرت باروری و زایش می‌دهد را بعضاً به عنوان مسئله‌ای کثیف و یا وضعیت سخیف برداشت نموده‌اند. یکی از قدیمی‌ترین مذاهب، زرتشتی است که بعضاً مزدایی خوانده می‌شود. در کتاب اوستا، در قسمت فرکارد شانزده آمده است: ای آفریننده دنیای مادی، ای مقدس، اگر در خانه یک مؤمن به مزدا، زنی خونریزی داشته باشد چه به طور طبیعی و چه عادت ماهانه، پرستندگان مزدا چه باید بکنند؟ اهورا مزدا جواب داد: آنها باید راه را از چوب پاک کنند، چه درخت زنده و چه کنده درخت، آنها باید خاک خشک بر زمین بپاشند و در آن محل باید ساختمانی بلندتر از خانه به اندازه نصف و یا یک

## مرگ بر امپریالیسم، زنده باد سرمایه گذاری خصوصی

علی ناظر

سیرکردن شکم کودکانشان است و مسئله استراتژی‌یکشان آزادی و ایجاد اتحادیه های کارگری که بتواند از حقوق حقه آنها دفاع کند. و نه شعاری که بتواند در طولانی مدت (تا آنجا که به او، و وضع زندگی و آینده کودکان او برمی گردد) کلیه کارگران جهان را متحد و امپریالیسم را نابود کند. و نه شعاری که گوشه‌های کشورهای صنعتی را تیز کرده و آنتنهایشان را به کار بیندازد، که این آقبان و خانها امکان دارد مبارز باشند، و حتی امکان دارد در کوتاه مدت پاسبان منافع ما باشند، ولی رویشان نمی شود حساب کرد. یکی از همین روزها که ما میلیاردها دلار در کشورشان سرمایه گذاری کردیم، سینه ستبر خواهند کرد که "سرگ بر امپریالیسم جهانخوار".

## سلطه یا محو

البته بایستی توجه داشت که شورای ملی مقاومت در برنامه موقت خود (برنامه دولت موقت بخش استقلال - تذکار ۵۳ - مهر ۱۳۶۰) تاکید می کند که: استقلال و ضدیت با امپریالیسم به مفهوم ضدیت با کشورهای صنعتی در تمامیت تاریخی، اقتصادی، فنی و هنری و فرهنگی آنها نیست. چنین ضدیتی در حقیقت آرزوهای ارتجاعی قرون وسطی را تداعی می کند. پس ما بر ضد روابط نابرابر و استعماری قیام نموده ایم و نه بر ضد هرگونه رابطه ای (به طور مطلق) از این لحاظ بخصوص بایستی حساب ویژه ای برای تسلیات مردم و نیروهای واقعا دموکراتیک کشورهای صنعتی باز نمود. یعنی به رغم سیاست عوامفربانه و فرمالیستی خمینی، ما نمی خواهیم و نمی توانیم از دنیای پیرامون خود منزوی به سر بریم، لیکن چنان که گفته شد، ما هر رابطه نابرابر و استعماری را اساساً رد می کنیم حال آن که سیاستی شبیه به سیاست خمینی، از آن جا که به جای آینده و ترقی به گذشته و عقب ماندگی می نگرد، نه فقط نمی تواند جامعه ی ما را از مدار اسارت و عقب ماندگی خارج کند بلکه به عکس خود در غرقاب ارتجاع، راهگشای سلطه مجدد امپریالیسم است و دقیقاً به همین دلیل امپریالیسم از روز نخست خمینی را بر ترقیخواهان ایران مرجع دانسته و می داند. در این برنامه شورا از کلماتی چون "نابود باد" خودداری کرده و حد را در یک مبارزه خلص سیاسی - اقتصادی برای مسدود کردن سلطه امپریالیسم می شناسد.

شعارها، بایستی مثبت باشند، بایستی امید دهنده باشند. شعار در دوران مبارزه تنگاتنگ بایستی در راه خلع سلاح دشمن به کار گرفته شود، و نه آن که به آنتی تز خود تبدیل گردد. "زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم"، شعاری است مثبت، امید دهنده، و مدافع کلیه آن چیزهایی است که دشمن یا گرفته است و یا می خواهد که بگیرد. به طور حتم آنهایی که در کرسی قضاوت نشسته اند می دانند که برای گذار از این ورطه و رسیدن به آن جامعه بی طبقه، راهی نیست به جز نابودی امپریالیسم، ولی تا آگاهی کامل کارگران (که قرن‌ها طول خواهد کشید) بایستی فقط به تضاد اصلی پرداخت.

شناخت داشته باشیم. از زمین خوردن هم نه درمان بیاید و نه خجالت بکشیم. و مهمتر این که با هر خاک شدن دست به قمه نبریم. از طرف دیگر می شود از همان لحظه اول که وارد زورخانه می شویم از بیخ به همه بتازیم و شمشیر را از رو ببندیم. روشن است که سناریو اول احتیاج به پیچیدگی دارد و الزامش اینست که حریف را در زمین خودش و با استفاده از قوانین حاکم بر محیطش به زمین بزنیم. طریق دوم فقط شور و شوق لازم دارد.

نویسنده با این فلسفه موافق است که یک سازمان بایستی هویت داشته و به قول منصور امان اعضا و هواداران پیوند با یکدیگر را در شعارهای استراتژیک باز ببیند. ولی در عین حال بایستی دید که چرا شعاری بدهیم که حداقل در چند دهه آینده حتی شانس این را نخواهیم داشت که به آن بپردازیم؟

اگر به گزارشات مسئول کمیسیون صنایع شورای ملی مقاومت (مهدی سامع) نگاهی گذرا بیندازیم می بینیم که بعد از پیروزی مقاومت و "نابودی ملایان"، کلیه نیروهای فعال جامعه مشغول به بازسازی مملکت خواهند بود. نه کارگری و نه زحمتکشی حال و حوصله و علاقه ای به "نابودی امپریالیسم" ندارد. با اطمینان می شود گفت که (بعد از تسخیر لانه جاسوسی و مزه حرکت صوری برای نابودی امپریالیسم را چشیدن) سقف فعالیت آنها در حد تشکیل اتحادیه ها و تدوین حقوق کارگری قرار خواهند گرفت. این یک رویا است که تصور کنیم هدف کارگران و زحمتکشان ایران، چون کارگران زمان استالین و مائو و یا کاسترو، گسترش سوسیالیسم و اتحاد "کارگران جهان" خواهد بود.

بحث بر سر این نیست که نبایستی امپریالیسم را نابود کرد، اگر بتوان بایستی که ریشه زور را از بن بیرون آورد. بحث بر سر این موضوع هم نیست که کارگران نبایستی پلاتفرم بین المللی داشته باشند. اگر چنین پلاتفرمی را بشود احداث کرد بسیار خوب است. بلکه صحبت از این است که بایستی واقع بینانه به مطلب روز ایران، بدون آنکه آتو به دست دشمن (خواه رژیم خواه امپریالیسم) بدهیم، بپردازیم. واقعیت زمانه این را حکم می کند که احساسات خود را تحت کنترل قرار بدهیم. واقعیت اینست که دولت بریتانیا وقتی متافعض در خطر افتاد تصمیم گرفت که دکتر المسعری (مخالف دولت عربستان سعودی) را برای حفظ منافع کارگزارش از بریتانیا اخراج کند و کلیه کارگران انگلستان هم موافق بودند. و یا آن که دولت آلمان حاضر است از سخنرانی مریم رجوی جلوگیری بکند تا بتواند شکم کارگزارش را سیر کند و کارگران آلمان هم موافقت می کنند. واقعیت این است که فعالیتهای اعضای مقاومت در فرانسه محدود است، تا کارگران فرانسوی بتوانند کودکان خود را برای تعطیلات به سوئیس بفرستند. و واقعیت این است که در ایران کارگران و کارمندان و طبقه های بالاتر هر روزه با فشارهای طاقت فرسا به زندگی ادامه می دهند به امید آن که نیرویی، سازمانی، و رهبری پیدا بشود تا آنها را با شعاری (که خواسته های آنها را بیان بکند) به پیروزی برساند. واقعیت اینست که کارگران مسئله روزشان

بقیه از صفحه ۱۰

و می دانیم که بورژوازی ایران حقوق کارگران را به رسمیت نمی شناسد) موافقت می کنیم. ولی به مجرد پاگرفتن و تحت کنترل گرفتن مملکت، برای به ثمر نشاندن آرمانان (یعنی براندازی امپریالیسم) در وحله اول دکان سرمایه داران خصوصی را تخته خواهیم کرد. این یک طرف قضیه است. طرف دیگر قضیه دوگانگی سازمان در طرفداری از صلح در منطقه و جهان است. چرا که سازمان من غیرمستقیم (در همین شعار) اعلام می کند که جنگ ما با آمریکای جهانخوار است. شاید امروز که ما سرمان به ملایان آدمکش مشغول است، وارد یک درگیری مستقیم با آمریکا و امپریالیسم نشویم ولی فردا که بر سر مسند کار نشستیم، مبارزات خود برای نابودی امپریالیسم را ارجح کرده و لوله مسلسلها را به سوی واشنگتن خواهیم گرفت. بیهوده نیست که وزارت خارجه آمریکا سندی علیه مقاومت به چاپ می رساند که اینها همان آدمهای قبلی هستند، فقط با این تفاوت که شیک لباس می پوشند.

به طور حتم رفقایی که به گونه ای در "طیف فدایی" قرار دارند بحث خواهند کرد که برای فردی چون نویسنده این یادداشت که تعهد ایدئولوژیکی ای به خلقهای جهان ندارد و تنها مسئله اش نابودی استبداد مذهبی و برقراری دموکراسی، صلح و برابری برای ایرانیان است (قسمت دوم شعار فوق الذکر)، آسان است که در سکوی انتقاد بنشینند، چرا که اگر به مفهوم کمونیسم (و یا چون مجاهدین به کلام توحید و جامعه توحیدی) وابسته بشود، آن گاه جهان شمولی هدف عالی اش خواهد بود. امکان دارد که این مطلب در تئوری درست باشد، و حتی بشود آن را به عنوان شعاری که بتواند نیروی پتانسیل را به نیروی بالقوه تبدیل کند مورد استفاده قرارش داد. ولی در پراتیک، و به خصوص در پراتیک سیاسی، راندماتی به جز درجا زدن نخواهد داشت.

حرکت اخیر فلسطینیها، که در رأی گیری اخیر شعار محوری خود (نابودی اسرائیل) را مردود شناختند، و یا به طور مثال آغاز و عاقبت شوروی که خلیجها کمپ سوسیالیسم و پشتیبان حرکتهای ضد امپریالیستی می شناختندش (و حال کاسه گدایی به سوی بانک جهانی دراز کرده و یا به کشتار چینی ها می پردازد) به گونه ای که تعمیم دهنده این بحث هستند. بحث مورد نظر این یادداشت این نیست که بگوییم آنها کار درستی می کنند یا غلط، و در این هم نیست که بگوییم آنها نمسی بایستی از روز اول وارد چنین استراتژی ای بشوند، که بعد از چند سال زیر تعهدش بمانند. چرا که ساختار ژئوپلیتیک فلسطین و یا اتفاقات دیرونی شوروی و چینی با ما فرق می کند. بحث بر سر موضوعی بسیار ساده است: سیاست بین المللی احتیاج به پیچیدگی دارد. یک سیاستمدار قرن بیست و یکم بدون آن که اصول پایه را مخدوش بکند بایستی با اسلحه پراگماتیسم (هر چند که این لغت در بین انقلابیون مطرود است) به اهدافش برسد. اگر بخواهیم وارد گود سیاست شده و با امپریالیسم دست و پنجه نرم کنیم (نابود باد کردندش پیش کش) بایستی از اصول وارد گود شدن

## گزینش امروز، چشم انداز فردا

- منصور امان -

داخلی اینها چکار کنیم؟ اگر علیه آنها دست به عمل بزنیم باز هم که وارد لیست سیاه خواهیم شد! می گوئیم به جهنم! آنها هم بیایند، ما که نمی خواهیم "آتو" به دست کسی بدهیم. حال با اصلاحات سیاسی و اجتماعی چکار کنیم، دگرگونیهای بنیادی که مطلوب متحدین تازه ما و اربابانشان که نیست، از آنها هم صرف نظر کنیم؟ برآستی تا کجا می توان پیش رفت؟

این که کارگران انگلیس، آلمان، فرانسه به خاطر حفظ شغل خود پای ضد دموکراتیک ترین تصمیمات دولتهایشان امضا می گذارند نتیجه همان سیاست مثلا پراگماتیستی است که خط مشی اتحادیه های کارگری را تعیین کرده و عملاً آنها را به زائده احزابی مانند کارگر، سوسیال دموکرات و سوسیالیست تبدیل نموده است. مطمئناً گرفتن کاراکتر اعتراضی این اتحادیه ها به یک باره صورت نگرفته و به همین صورت یورش سرمایه داری به دستاوردهای نیم قرن اخیر جنبش کارگری متعاقب عقب نشینیهای ابتدایی آنها بوده است. به عنوان مثال هنگامی که در اوائل دهه ۹۰، سرمایه داری پمپاژ شده از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم، توانست تقاضای سالانه افزایش دستمزد را به پایین ترین حد نصاب خود طی دهه های گذشته و تقریباً چیزی بیش از نرخ تورم پایین بیاورد و با یک مقاومت همه جانبه روبرو نشد، جرأت یافت تا به تدریج تمامی سازشهای گذشته خود با طبقه کارگر را زیر سؤال ببرد. هم اکنون محافظی هستند که با این توحش مدرن به دلایل مختلف ابراز تفاهم می کنند و خواهان برخورد عاقلانه در جهت حفظ منافع عمومی هستند! آن گونه که گویا به رسمیت شناسی منافع نامشروع طرف قدرتمندتر دعوا، معادل واکنش سنجیده و معقول و برعکس پافشاری بر مطالبات خود حتی در یک موقعیت نابرابر، کله شقی و به قولی "جوانی" است.

با این وجود اجازه بدهید روی امتیازاتی که به پشتوانه نیروی خود از طرف مقابل می گیریم حساب باز کنیم و نه روی پوئنهایی که به خاطر ضعف مان به ما می دهند.

اکنون شاید بتوان به خوبی به سؤال آقای ناظر در رابطه با بخش سوسیالیستی شعار مورد بحث پاسخ داد. مضمون سوسیالیستی دیدگاه سازمان، همان چشم انداز نیست که سیاست امروز ما در خدمت مادی ساختن آن قرار گرفته است. بدون این چشم انداز، برنامه حداقل ما تا آنجا که به استقلال، دموکراسی و صلح مربوط می شود، تعارفی بیش نیست. ما نمی خواهیم تنها به نقش وجدان بیدار جامعه بودن اکتفا کنیم و سرانجام به جلد بنیادهای نیکوکاری که احتمالاً اینجا و آنجا تناقضی را گوشزد می کنند و از مسئولین تقاضای رسیدگی دارند، درآییم.

ما نیروی محرک جامعه و توانائیهایش را می شناسیم، به مسیری که یک اجتماع پویا در آن گام می زند، وقوف داریم و از همه مهمتر می دانیم که با چه ره توشه ای به حرکت درآییم. از این رو اجازه نداریم تحت هیچ شرایطی و هیچ بهانه ای خود را خلع سلاح کنیم.

اردیبهشت ۷۵

از بخش اول شعار "مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع جهانی، زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم" نیز نمی توان مطالبه برقراری فوری و بی واسطه سوسیالیسم را استنباط نمود، چنین برداشتی را فقط می توان از کلمه آخر در بخش دوم شعار مذکور (سوسیالیسم) برداشت کرد که البته آقای ناظر نه تنها در این مورد مشکلی ندارد بلکه آن را "مثبت و امید دهنده" هم می داند.

می خواهم سؤال آقای ناظر را به خودش باز پس بدهم: به راستی "چرا شعاری بدهیم که حداقل در چند دهه آینده حتی شانس این را نخواهیم داشت که به آن بپردازیم؟" اگر این حکم در مورد (به گفته او) "نابودی امپریالیسم" صادق است، پس چرا در باره "سوسیالیسم" معتبر نیست؟

من فکر می کنم مسئله محوری در اینجا دیگر نه تناقضات برنامه ای یا شعاری ما بلکه اصولاً تاثیر این برنامه و شعار در محافل غربی ست. ما انتظار نداریم محافظه کاران دست راستی، مجریان سیاست بازارگانی "گفتگوی انتقادی" و از این دست، با رویی گشاده از برنامه و شعارهای ما استقبال کنند. اما همچنین تصویری ساده اندیشانه است هرگاه گمان بریم با حذف این یا آن بند برنامه یا قسمت شعار، دقیقاً همین مسئله اتفاق می افتد. به مثال خود آقای ناظر برمی گردم. شورای ملی مقاومت شعاری علیه امپریالیستها نمی دهد اما وزارت امور خارجه آمریکا عمد دارد که نیروی اصلی آن را تروریست بخواند و این نه به خاطر آن است که شورا مثلاً قصد دارد پس از کسب قدرت "وارد یک درگیری مستقیم با آمریکا و امپریالیسم" بشود بلکه به این دلیل است که آمریکاییها می خواهند با جایگزینی افراد مورد اعتماد خود در شورا و دفرمه کردن آن، آلترناتیو مطلوب شان را داشته باشند.

هیچ آدم عاقلی هرگز به این صرافت نمی افتد که به جای چکش، از پیشانی خود برای کوبیدن میخ به دیوار استفاده کند! از این نظر پراگماتیسم نه تنها نمی تواند "مطروذ" باشد بلکه در بسیاری موارد یگانه راه حل منطقی ست. اما باید دید که اصولاً چه چیزی پراگماتیسم نامیده می شود و چه نوع پراگماتیسمی انتخاب می کنیم. آن سیاستی که براساس منافع لحظه ای و روز و بدون نقش معین برای یک هدف معین اتخاذ شود، در بهترین حالت تابعی از چارچوبی ست که تحت شرایط آن حرکت می کند.

پراگماتیسمی که ما از آن سخن می گوئیم مجموعه ابزار و اسلوبیست که برای نیل به آن چشم انداز یا آماجی که فراروی خود قرار داده ایم، از آنها سود می جوئیم. پراگماتیسم هدفمند به امکانات امروز به عنوان هدفی در خود نمی نگرند بلکه هر امکانی را از زاویه ظرفیت آن برای دور یا نزدیک ساختن به مقصد، مورد ارزیابی قرار می دهد. از همین رو احتمال درافتادن یک پراگماتیسم هدفدار به ورطه ماکیاولیسم بسیار ضعیف تر از دیگر کسانی ست که تحت پوششی عمل گرایانه، ناچار به حراج پرنسیپهای خود می شوند.

بباید برای این که به قول آقای ناظر "آتو" را به دست دشمن ندهیم اصلاً از کلمه امپریالیسم صرف نظر کنیم. لابد این امر مزایایی برای ما در بر دارد، مثلاً امپریالیستها به عنوان آشوب گر و مخل نظم و ثبات به ما نمی نگرند. خوب، با عوامل

بقیه از صفحه ۱۰

از این رو آماج مقدم ما در این مرحله، به انجام رساندن هرچه مؤثرتر، عمیق تر و بی بازگشت آن رشته تحولاتیست که بی واسطه و بدون اما و اگر به تامین چنین دگرگونی یاری رسانده و ظرفیتهای اقتصادی اجتماعی انقلاب دموکراتیک را اشباع نمایند. طبقاً وظایفی با جوهره اخص سوسیالیستی به ویژه در حیطه روابط تولیدی، در کادر این مجموعه جای نمی گیرند. در شرایطی که مدلهای اقتصادی دولتی، بازار و سوسیالیستی به عنوان کاندیدا مطرح نیستند، "سرمایه گذاری خصوصی" یکی از راه حلها نیست که در چارچوب یک مدل اقتصادی مختلط پیشنهاد شده است و برنامه شورا نیز بدان اشاره می نماید. این که تناسب این سرمایه گذاری در مجموع اقتصاد ملی به چه میزان باید باشد، حدود آن بر حسب رشته های تولیدی کجا قرار می گیرد و غیره سؤالاتی هستند که به تدفیق عبارت کلی "سرمایه گذاری خصوصی" یاری خواهند رساند.

اما اکنون اجازه بدهید به جهت دیگر تضاد، یعنی بخش پیرو و غیر عمده آن بپردازیم. با توجه به آثار ملموس سیاستها و عملکردهای مشخص دول استعماری و امپریالیستی و تجارب دردناک و نه چندان کهنه ای که کشور ما در نتیجه آن دارد، فکر نمی کنم اساساً لزومی به کنکاش بیشتر در این رابطه باشد. با این وجود شعار "مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع جهانی"، نه فراخوانی برای گرفتن "لوله مسلسل به سوی واشنگتن" است و نه پلاتفرمی "جهان شمول" برای صدور انقلاب.

حوزه پراتیک بیرونی شعار مذکور دو وجه داخلی و خارجی را در بر می گیرد. در وجه داخلی، در عرصه سیاست بیانگر مرزبندی ما با آن دسته گرایشهای بین المللی ست که در تلاش قمری کردن سیاست ایران بوده، هستند و در آینده نیز خواهند بود و هم چنین معرف وظایف مشخص ما نسبت به انگولفیلها و روس فیلهای امروزیست که مستقیماً یا از طریق محلل، منافع دول بیگانه را نمایندگی می کنند. در عرصه اقتصاد این شعار، باز محتوایی مرحله کنونی انقلاب را با نفی یک درک و شیوه (امپریالیسم) که در نمودهایی همچون روابط سلطه گرانه، ادغام در بازار جهانی، اقتصاد افسار گسیخته بازار، غارت منابع ملی و... خود را به نمایش می گذارد، متبلور می سازد.

در عرصه خارجی شعار مورد بحث بر پایه تحلیل پروسه های موجود در سیاست جهانی، با دو وجه سلبی و ایجابی، صف بندیهای شکل گرفته یا در حال انسجام بین المللی را مشخص کرده و جهت عمومی سیاست خارجی ما را تعیین می نماید. اهمیت شناخت میزهای چیده شده بین المللی، نخست از تعیین حوزه های کاری درازمدت ما، ایجاد جبهه بندیهای موقت براساس منافع ملی مان و در نهایت ترسیم حد و مرز نزدیکی با این یا آن گرایش منتج می شود.

با توجه به توضیحات بالا اکنون به خوبی می توان دریافت که ما وظایف مقدم سوسیالیستی در حیطه اقتصاد برای طبقه کارگر ایران قائل نیستیم به همین دلیل نیز در مجموع منافاتی میان برنامه شورای ملی مقاومت و مطالبات حداقل سازمان در مرحله انقلاب دموکراتیک نمی بینیم. از طرف دیگر حداقل

تحولات پناهندگی در هلند از زبان مطبوعات  
ترس در مراکز پناهندگی،

### التهاب ایرانیان بیشتر می شود

ترجمه: سیروس فتحي

منبع: نشریه PZS

تاریخ: ۱۶/۵/۹۱

ترجمه بخش اصلی مقاله

یک پناهجوی ۳۱ ساله ایرانی به نام علی استوار هفته پیش خود را در OC Harlem به دار آویخت. در AZC CRAILO یک ایرانی ۲۴ ساله به نام امیر صالحی یک روز قبل از این واقعه خود را با بنزین به آتش کشید. پناهجویان در اینجا احساس امنیت نمی کنند. ترس و وحشت از اوایل سال جاری سراغ پناهجویان ایرانی آمد. زمانی که دادگستری تصمیم به اخراج جعفر پویه خوی ۳۸ ساله گرفت. دادگستری می گوید اگرچه وضعیت حقوق بشر در ایران وحشتناک است اما طوری نیست که پناهجویان ایرانی مشمول قانون پناهندگی ژنو قرار گرفته و از حق پناهندگی برخوردار باشند و هم چنین از این به بعد ایران کشور "وضعیت بحرانی موقت" شناخته نمی شود.

### گزارش بی پایه

منبع: روزنامه تراو

تاریخ: ۱۶/۵/۹۱

وزارت امور خارجه هلند وضعیت حقوق بشر در ایران را بهتر توصیف می کند و دادگستری خود را برای اخراج ایرانیان آماده می سازد. وضعیت حقوق بشر در ایران بهتر شده و ایرانیان پناهجو که جواب منفی دریافت کرده اند می توانند بدون ترس به ایران برگردانده شوند. این گزارشی است که وزارت امور خارجه به طور مخفی به معاون وزیر دادگستری هلند تسلیم نموده است. این گزارش باید در پارلمان هلند نیز مورد بحث قرار گیرد. وزارت دادگستری خود را آماده می سازد تا پناهجویان ایرانی را که جواب منفی دریافت نموده اند به ایران برگرداند. بر پایه این گزارش وضعیت حقوق بشر در ایران به نسبت سالهای بعد از انقلاب بهتر شده است. این گزارش بیان می نماید که امنیت قضایی پیشرفتهای مثبتی داشته است. با وجود این که وزارت امور خارجه اظهار می دارد که وضعیت قضایی در ایران با کشورهای غربی قابل مقایسه نیست و برای مثال در تظاهرات، نیروهای انتظامی خشونت به خرج می دهند و اعدامها در ایران هنوز ادامه دارد، اما موقعیت به گونه ایست که می توان پناهجویان ایرانی را که پروسه پناهندگی آنها تمام شده و از دولت هلند جواب منفی دریافت کرده اند را به ایران باز گرداند. یکی از اعضای پارلمان هلند آقای "Ditrich" از حزب "D66" با وجود این که گزارش را نخوانده است، آن را بی پایه و اساس می داند و اظهار می دارد که چنین گزارشی باید عمیقاً مورد بررسی قرار گیرد. دو هفته قبل در یک گفتگو با خانم "Schmitz" او گفت بر پایه گزارش ایرانیان پس فرستاده شده، موقعیت در ایران وحشتناک است. همچنین حزب "Prada" و "CDA" ایران را کشوری خواندند که بیشترین اعتراضات بین المللی را برانگیخته است.

این گزارش که بعد از گزارش سال ۱۹۹۱ (که آخرین گزارش وزارت امور خارجه در مورد ایران

بود) برای خانم اشمیتس اهمیت زیادی دارد، زیرا برگرداندن پناهجویان ایرانی را برای وی آسان می سازد. همچنین قضات دادگاهها ارزش خاصی برای این گزارش قائل هستند. قبلاً دادگاه وحدت رویه اظهار داشته بود که ایران برای همه یک کشور ناامن نیست و دادگستری در این میان مشغول آماده کردن خود برای اخراج ایرانیان بوده است. در اواخر آوریل یک ایرانی رد شده و خانواده او به سفارت ایران جهت گرفتن مدارک سفر معرفی شده اند. برحسب اظهارات این پناهجو، او در سفارت مورد تهدید قرار گرفته و بعد از دو روز از ملاقات او با کنسول، پدر و پدر خانم وی در ایران بازداشت شده اند. پناهجوی مذکور (مختاری پور ۳۲ ساله) می گوید که کنسول ایران در سفارت به او گفته است که دولت هلند شما را بر می گرداند نه ما، پس شما در آینده خواهید دید چه اتفاقی خواهد افتاد. والدین شما باید با یک سند رسمی در فرودگاه تهران آماده باشند. ما متوجه شدیم که منظور او چیست. وقتی که مامورین اداره مهاجرت عکسهای مختاری پور و همسر و دخترش را به سفارت تحویل دادند، کنسول ایران با یک حالت تحقیر گفته است: شما برای ما مانند یک کادو هستید. این گفتگو به فارسی بوده و مترجمی وجود نداشته و مامورین وزارت دادگستری نتوانسته اند از این گفتگو چیزی متوجه شوند اما آنها احساس کرده اند که پناهجوی مذکور مورد تهدید واقع شده است. مختاری پور حاضر نشد که علت درخواست پناهندگی خود را به سفارت توضیح دهد، اما مامورین یک کپی از گواهینامه و اجازه کار او در ایران و آنرس و اسم پدر و پدر خانم او را به سفارت داده بودند. او می گوید بعد از ملاقات من با کنسول، پدر و پدر خانم من در ایران دستگیر شدند اما هر چند که بعداً این دو نفر آزاد می گردند، ولی محل اقامت آنها زیر نظر مامورین است. اخراج مختاری پور در این میان ملغی شد، زیرا مدارک جدید او نشان خواهد داد که او در ایران در معرض خطر واقع است. اما مختاری پور با وجود گذشت دو هفته از ملاقات خود با سفیر ایران، در حالت رعب و وحشت به سر می برد. تجربه او مثل آتش در میان یک طوفان در بین پناهجویان ایرانی در کمپهای مختلف سرایت نموده است. □

تنظیم: انجمن فرهنگی نبرد - هلند

### گزارش فعالیت انجمن فرهنگی نبرد در

#### زمینه پناهندگی در هلند

در تاریخ ۱۳ آوریل میتینگ ماهانه پناهندگان و مردم در شهر میدلبورخ با حضور تعدادی از پناهجویان و اهالی محل برگزار گردید. در این میتینگ که اعضای انجمن نیز در آن شرکت داشتند آقای محمود کرم زاده به ایراد سخنرانی با عنوان حقوق بشر و پناهجویان ایرانی پرداخت که مورد توجه حضار قرار گرفت. در تاریخ ۲۱ آوریل به مناسبت پنجمین سالگرد گشایش کمپ پناهندگی مراسم ویژه ای با عنوان Open dag با حضور سازمانهای حقوق بشری و امور پناهندگی از جمله عفو بین الملل و اداره حمایت از پناهندگان (VVN) و عده زیادی در محل کمپ پناهندگی شهر میدلبورخ تشکیل گردید. در این مراسم انجمن فرهنگی نبرد با برقرار نمودن میز کتاب و تابلوهایی در خصوص وضعیت حقوق بشر و آزادیهای اساسی در ایران به تشریح موقعیت پناهجویان پرداخت. □

### فعالتهای انجمن دموکراتیک حمایت از پناهندگان سیاسی ایرانی در اتریش

۱- جلسه عمومی این انجمن روز ۱۵ مه امسال با حضور اعضای انجمن و تعدادی از ایرانیان تبعیدی برگزار شد. شرکت کنندگان ضمن تایید گزارش فعالیت یک ساله انجمن، هیئت اجرایی جدید انجمن را انتخاب کردند. جلسه عمومی این انجمن برای گسترش فعالتهای انجمن تصمیم به تشکیل کمیته های زنان، ورزش و هنر گرفت.

۲- این انجمن در رابطه با حکم اخراج دو پناهجوی ایرانی در هلند (آقای مسعود مهدی پور و همسرش) نامه اعتراضی به دادگستری هلند، کمیساریای عالی پناهندگان در ژنو، عفو بین الملل در لندن و وین و وکیل این خانواده پناهجو فرستاد. دادگستری هلند در پاسخ به نامه انجمن اعلام نموده که درخواست مندرج در نامه، در بخش مربوطه مورد رسیدگی قرار می گیرد. □

### بلژیک -

#### پناهنده شدن ورزشکاران

چهار تن از ورزشکاران تیم تکواندو ایران که در ۲۵ آوریل برای شرکت در مسابقات بین المللی تکواندو به بلژیک رفته بودند، از این کشور تقاضای پناهندگی سیاسی کردند. تیم چهارده نفره ایران در میان ۲۸ کشور شرکت کننده به مقام چهارم در مجموع تیمی مردان دست یافت. از چهارده ورزشکار این تیم، ۴ تن از بلژیک تقاضای پناهندگی سیاسی کردند و یک تن دیگر به یک کشور دیگر اروپایی رفت. به گزارش کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ایران، مقامهای بلژیک تقاضای پناهندگی ورزشکاران ایرانی را رد کردند و خطر اخراج آنها را تهدید می کند. اسامی این گروه چنین اعلام شده است: عباس مروانی، عبدالامیر سلامتیان، ابراهیم کریمی و علیرضا حسن علی پور. دولت بلژیک اکنون پانزده روز برای رسیدگی مجدد به تقاضای پناهندگی آنان مهلت قائل شده است.

رادیو فرانسه ۲۰/۲۰ اردیبهشت/۷۵

### آلمان -

روز سه شنبه دیوان قانون اساسی آلمان، قانون جنجال برانگیز محدود کردن حق پناهندگی در این کشور که سه سال پیش توسط مجلس به تصویب رسیده بود را مورد تایید قرار داد. به این ترتیب دادگاه آلمان تقاضای پنج پناهنده از کشورهای ایران، عراق، توگو، غنا را که به عنوان نمونه از میان ۲۵۰۰ درخواست برگزیده شده بود، رد کرد. این قانون که در اول ژوئیه ۹۳ به تصویب رسید، به منظور اصلاح یکی از لیبرال ترین قوانین پناهندگی اروپا می باشد. دادگاه در عین تایید این قانون گفت که حق پناهندگی سیاسی برای افراد در این قانون جدید، خدشه دار نشده است. قضات استدلال دولت را تکرار کرده و گفتند: هدف از این قانون اصلاحیه، تقسیم بار پناهندگان به روی تمامی کشورهای اروپایی، و نه تنها آلمان، می باشد.

خبرگزاری فرانسه ۲۵/۲۵ اردیبهشت/۷۵

## زنان افغانستان علیه بنیادگرایی

خبرگزاری رویتر روز ۸ اردیبهشت اعلام کرد که، زنان پناهنده افغان در شهر پیشاور پاکستان دست به تظاهرات زدند تا بدین وسیله اعتراض خود را علیه بنیادگرایی که برای رسیدن به قدرت در کشورشان جنگ می‌کنند، اعلام دارند. حدود ۲۰۰ زن که در بیرون از فرودگاه پیشاور تجمع کرده بودند: اعلام کردند که ما صلح، آزادی و دموکراسی می‌خواهیم. سپس جمعیت وارد شهر پیشاور، شدند. روی یکی از پلاکاردها نوشته شده بود: "ما تهاجم خطرناک بنیادگرایان در افغانستان را محکوم می‌کنیم." این تظاهرات توسط جامعه زنان انقلابی افغانستان، به مناسبت چهارمین سالگرد تشکیل دولت بنیادگرایی افغانستان، ترتیب داده شده بود.

## زنان مراکش

کانال ۲ تلویزیون فرانسه در روز ۱۸ اردیبهشت گزارشی در مورد موقعیت زنان مراکش پخش کرد. در ابتدای گزارش گفته شد که، تلاش گسترده ای در مراکش برای آزادی زنان از زمان پدر ملک حسن صورت گرفته است. در این گزارش با تعدادی از زنان مصاحبه شده است.

خانم حکیمه همیشه پروفیسور طبوید می‌گوید همچنان در مراکش تعدد زوجات وجود دارد و زنان نصف مردان ارث می‌برند و نکات زیادی هست که باید از حقوق خودمان دفاع کنیم. عایشه تراب علاوئی رئیس اتحاد زنان مراکش در مورد حجاب می‌گوید اسمش را گذاشته اند حجاب اسلامی. خود شاه گفته است که روسری اسلامی وجود ندارد. حکیمه همیشه می‌گوید: ما از بنیادگرایی می‌ترسیم. بنیادگرایی در کشور ما وجود دارد. این اصلی‌ترین اشتغال ذهنی ماست.

## زنان و انتخابات کویت

روزنامه الشرق الاوسط ۷۵/۲/۲۰: "همزمان با اوچگیری تب انتخابات مجلس ملی کویت، زنان خواستار برداشتن حق وتو شدند. در چارچوب فراخوان برای برداشتن وتوی مردان نسبت به زنان (اصطلاحی که شاعر و ادیب کویتی خانم سعاد صباح مطرح کرده است). روز ۲۰ اردیبهشت فعالیت‌های سمینار "زنان و تصمیم‌گیری"، پس از یک سری جلسات فشرده که چهار روز ادامه داشت، به پایان رسید. این سمینار با عنوان "زنان و تصمیم‌گیری" برگزار شد و انجمن فرهنگی اجتماعی زنان با همکاری مرکز انتشاراتی صباح بر آن نظارت داشتند. زمان تشکیل این سمینار مصادف بود با آماده سازی برای انتخابات کویت...

خانم دکتر سعاد صباح گفت این آغاز مرحله جدیدی برای تحقق هدفهای کنفرانس پکن است... و زنان کویتی در این سنگر تنها نیستند، بلکه با زنان عرب و جهان همگام می‌باشند...

## زنان بوسنی

تعدادی از زنان بوسنی در ساریوو، حزبی به نام زنان بوسنی هرزگووین را اعلام کردند. مردها می‌توانند به عضویت این حزب درآیند ولی سمتهای رهبری آن منحصر به بانوان حزب داده خواهد شد. در حال حاضر بانوان بوسنی در تشکیلات سیاسی این کشور که تا حد زیاد رنگ اسلامی دارد به تعداد نسبتاً کمی شرکت دارند.

رادیو آلمان ۲۶/اردیبهشت/۷۵

## پناهندگان -

### ترکیه

سازمان کمک به فراریان وابسته به سازمان ملل رویه دولت ترکیه در رابطه با اخراج اتباع ایرانی و عراقی را مورد انتقاد قرار داده و از دولت ترکیه خواسته است که فوراً در این رویه خود در برابر متقاضیان پناهندگی سیاسی تجدید نظر کند. علت این اعتراض، نگرانی از اخراج مهرباد کاووسی است که ۱۰ سال در زندان اوین زندانی بوده است.

رادیو پژواک در برنامه ۷ اردیبهشت ماه امسال خبر تحصن پناهندگان ایرانی در اعتراض به موقعیت دشوار پناهجویان ایرانی در ترکیه، که از هفته اول اردیبهشت ماه شروع شد، را اعلام کرد. این تحصن و اعتصاب در محل کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل در این شهر آغاز شده است. رادیو پژواک مصاحبه ای تلفنی با یکی از سخنگویان پناهجویان در رابطه با اهداف این تحصن اعتراضی داشته است که در زیر می‌آید:

پناهجو: در واقع با توجه به دلایل و شواهد و قرائنی که وجود دارد، ما می‌توانیم حقانیت خودمان را اثبات بکنیم، در واقع استفاده از حق پناهندگی برای ادامه زندگی، برای امنیت خودمون، این اعتصاب برپا شده ما در این جا در شرایط ناامنی هستیم، ولی متأسفانه UN خیلی خیلی به دور از منطق و اصول رفتار می‌کند. می‌بینیم که توجیهی با این وضعیت ما نمی‌کنه با توجه به این که وضعیت ما واقعاً در چارچوب قوانین UN قرار می‌گیره نه سازمان دیگر. البته مسئولان این سازمان ادعا می‌کنند که بخشی از مشکلات ما به دست دولت ترکیه حل می‌شه و در هر حال ببینید ما به عنوان پناهجویان ایرانی که در ترکیه نیاز به کمک داریم و

## وضعیت زن در مذاهب مختلف

بقیه از صفحه ۱۰

کند از نجاست زن نجس می‌شود و برای هفت روز کثیف است و بر هر تختی بخوابد آن تخت نجس می‌گردد. در مورد همین مبحث در کتاب "دختران پادشاه" نوشته خانمها گروسمن و هوت در صفحه ۱۰۳ نوشته شده: بسیاری از یهودیان، هم زن و هم مرد، معتقدند، زنانی که عادت ماهانه دارند حق ندارند به تورات دست بزنند و در مراسم نیایش کنیسا نباید شرکت کنند. و همچنین در کتاب "زن و قوانین کلیسی" اثر خانم بیال در فصل "نیدا، قوانین قاعدگی" می‌خوانیم: در قوانین کلیسی زنی که عادت ماهانه دارد یک وضعیت مشخص دارد: او یک نیدا است، کسی که "تبعید" یا "تحریم" است. قانون اصلی بی که این وضعیت را نقل می‌کند بسیار پیچیده است و بر پایه دو اصل که زن قاعده را در تورات تعریف می‌کند بنا شده: قوانین طهارت و نجاست، و ممنوعات جنسی.

در مسیحیت و به خصوص در انجیل هیچ اشاره ای به عادت ماهانه نشده ولی از وضعیتهای دیگر زنان صحبت شده که در آینده بدانها خواهیم پرداخت. شاید بتوانم نتیجه گیری کنم که در مسیحیت یک زن از نظر وضعیت در دوران عادت ماهانه فرقی با بقیه اوقاتش ندارد و نجس یا غیر آن قلمداد نمی‌شود.

در اسلام، کتاب قران سوره البقره، آیه ۲۲۲ می‌گوید: اگر در مورد عادت ماهانه زنان از شما سؤال شد بگویید: آنها در آن زمان در درد و الم

شرایط بدی داریم چه از نظر امنیتی و چه از نظر مسائل زندگی انتظار داریم که UN مسأله مون را حل بکند حالا قراردادهایش با دولت ترکیه هر چه که هست به هر حال خودش می‌تونه روی اونا عمل بکند این اعتصاب به این منظور برپا شده هم در اروپا و هم در این جا ترکیه.

- بعد از این که اون مسأله بازداشت پیش آمد الان در چه وضعی هستید دومرتبه برگشتید سرتحصن قبلی؟

پناهجو: بله بله ما به محل تحصن برگشتیم دولت ترکیه بعد از اون چند روز بازداشت به ما اقامت سه ماهه به صورت موقت داد اونهم مشروط به این که تحصن را ترک نکنیم و هر یک به شهرستانهایی که قبلاً برامون تعیین شده بود برگردیم. این خوب مشخصاً پایان تحصن بود بدون این که راه مشخصی پیش روی ما بگذارند. بدون اینکه بدانیم که بعد از سه ماه اقامت تکلیفمون چی می‌شه به اصطلاح جای UN توی این مناسبات چیه بدون این که مشخص باشد دولت ترکیه در نهایت آیا بعد از سه ماه می‌خواهد ما را دیپورت کند یا نکند حتی لغو احکام دیپورت هم رسماً اعلام نشده بود. نتیجتاً آینده مشخصی نبود بعد ما اینو یک تاکتیک دیدیم که در واقع می‌خوان تحصن را تمام بکنند این بود که قبول نکردیم و به محل تحصن برگشتیم در واقع تحصن هنوز ادامه دارد.

## قتل یک پناهجوی ایرانی در سوئد

برنامه تلویزیونی کانال ۳ در برنامه ۲۷ اردیبهشت خود از قتل مشکوک یک پناهنده سیاسی ایرانی به نام انوری حسینی خبر داد که جسد وی ۵ روز بعد از قتلش در تاریخ ۸ مارس ۹۶ در منزل مسکونی وی کشف گردید.

رادیو پژواک ۲۸/اردیبهشت/۷۵

هستند و الوده. پس از آنان دوری جوید و به آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند...

به نظر می‌رسد که در اسلام به این پدیده از نقطه نظر زن هم نگاه شده که صحبت از درد و ناراحتی می‌شود. ولی صحبتی از ممانعت آنها در انجام فرایض دینی یا به مسجد رفتن و نماز خواندن نشده است. در صورتی که وقتی با مذاهب قدیمی تر و خرافات با آن مخلوط شده نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که در عمل قوانین سخت تری بر زنان اعمال شده است. این که با زنان در زمان عادت ماهانه نباید نزدیکی کرد از نظر پزشکی پیشنهاد درستی است چرا که بیماریهای مقاربتی در آن زمان پیدا نبوده و قابل سرایت است. در اعتقاد بهایی، عبدالیها در کتاب اقدس گفته است: خداوند زنانی که عادت ماهانه دارند را از نماز و روزه لازم معاف کرده است. معاف شدن از نماز و روزه های لازم به زنان اهدا شده ولی در عوض باید وضو را بگیرند...

در بعضی ادیان قدیمی مقدر گردیده که از اجرای تشریفات مذهبی برای زنان هنگام عادت ماهانه به خاطر نجس بودن ممانعت شوند. مبحث نجس بودن را بهاءالله مردود شناخته است.

بدین صورت در اکثر مذاهب، پدیده طبیعی عادت ماهانه زنان به عنوان یک عامل بازدارنده و جداکننده برای زنان درآمده است. پدیده ای که علامت سلامتی زن و قدرت باروری اوست برای زنان باید باعث خرسندی باشد گاه سبب خجلت زنان می‌شود. قوانین و رسومات مذهبی گاه با خرافات مخلوط شده و کم کم قانون اصلی را زیر پا می‌گذارد. به امید آن که زنان با به بحث گذاشتن این قوانین در راه تعدیل آن و احقاق حقوق زن کوشا و موفق باشند. □

### سرکوب بهائیان

خبرگزاری فرانسه روز ۲۵ اردیبهشت اعلام کرد: "آیت الله محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه ایران روز سه شنبه اظهار داشت بهایی از نظر شیعیان یک فرقه مرتد و "یک شبکه جاسوسی" هست.

محمد یزدی بالاترین مقام قضایی ایران در یک سخنرانی که توسط آژانس رسمی ایرنا منتشر شد، اظهار داشت "فرقه بهایی یک دین نیست، اما یک شبکه جاسوسی است". یزدی در همین حال اضافه کرد اقلیت‌های مذهبی در ایران به رسمیت شناخته شده اند و "از آزادی و برگزاری آیین خود برخوردار هستند". وی اعلام کرد "ایران هرگز برای خوشایند سازمانهای بین المللی از اجرای قوانین اسلامی دست نمی کشد". براساس قانون جزایی برای فعالیت جاسوسی مجازات مرگ در نظر گرفته شده است. اسلام شیعه از هنگام ظهور بهایی در سال ۱۸۴۴ در شیراز آن را رد کرده است و از فردای انقلاب اسلامی تعداد بیشماری از آنها اعدام شده اند.

### حمله به یک اردوگاه پناهندگی

حزب دموکرات کردستان ایران در اطلاعی ای از حمله نیروهای جمهوری اسلامی به یکی از اردوگاههای پناهندگان کرد ایرانی واقع در منطقه باینجان از توابع سلیمانیه کردستان عراق خبر داد. بر طبق این اطلاعیه نگهبانان این اردوگاه یکی از مهاجمین به نام محمود دورانی را به اسارت گرفتند. وی در بازجوییها گفت که از طرف وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به این مأموریت فرستاده شده بود. تاکنون از واکنش جمهوری اسلامی در این باره خبری به دست ما نرسیده است.

رادپو پژواک ۱۰/ اردیبهشت/ ۷۵

### اعتصاب غذای دانشجویان دانشگاه زاهدان

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران روز ۲۱ اردیبهشت طی یک اطلاعیه اعلام نمود که: "بنا به گزارشهای رسیده از زاهدان، دانشجویان دانشکده علوم پزشکی و دانشکده مهندسی نیکبخت در زاهدان مرکز استان بلوچستان، در دومین هفته اعتصاب خود از دو روز پیش دست به اعتصاب غذا زده اند. این دانشجویان از یک هفته پیش به دلیل عدم رسیدگی به وضعیت خدماتی دانشگاه و در اعتراض به اختلاس ایادی رژیم دست به اعتصاب زده و از رفتن به سر کلاس خودداری کرده اند. دانشجویان اعتصابی از آغاز شروع اعتصاب غذا از ترک محوطه دانشگاهها خودداری کرده و شب را در محل به صبح رساندند".

### تورریم در الجزایر

رادپو فرانسه در برنامه روز ۱۵ اردیبهشت خود گفت: "یک وزیر پیشین الجزایر امروز در سوء قصدی تروریستی در جنوب غربی پایتخت این کشور، الجزیره به قتل رسید. محمد هروی در دولت عبدالسلام بین سالهای ۱۹۹۲ و ۹۳ مسئولیت وزارت کشور را بر عهده داشته است. بنا به گفته مقامات امنیتی الجزایر، سه نفر ناشناس که به احتمال یقین از اسلامیون مسلح افراطی بوده اند. غروب امروز محمد هروی را در پارکینگ یک اداره دولتی به ضرب چند گلوله از پای درآوردند. مسئولیت این سوء قصد را رسماً هنوز هیچ گروهی بر عهده نگرفته است."

### برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۶  
۱۳۵۸/۳/۹ - سرکوب خلق عرب در خوزستان ایران توسط رژیم خمینی به فرماندهی تیمسار سید احمد مدنی (چهارشنبه سیاه)  
۱۳۵۹/۳/۱۵ - اعلام تعطیل رسمی دانشگاههای سراسر کشور و هجوم مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به خوابگاههای دانشجویان دانشگاهها در ادامه اقدامات ارتجاعی موسوم به انقلاب فرهنگی  
۱۳۵۹/۳/۲۳ - برگزاری میتینگ بزرگ توسط مجاهدین خلق در امجدیه و انجام سخنرانی توسط مسعود رجوی. در حمله چماقداران و مزدوران خمینی به این میتینگ، میلشای قهرمان مجاهد مصطفی ذاکری به شهادت رسید.  
۱۳۶۰/۳/۲۰ - عزل ابوالحسن بنی صدر از فرماندهی کل قوا، توسط خمینی  
۱۳۶۰/۳/۳۰ - تظاهرات ۵۰۰ هزار نفری مردم تهران و حمله اوباشان و سرکوبگران رژیم خمینی به این تظاهرات اعتراضی و شهادت دهها نفر از تظاهرکنندگان در تهران و شهرستانها، روز آغاز مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی و نقطه عطف جنبش رهایی بخش مردم ایران  
۱۳۶۰/۳/۳۱ - اعدام دسته جمعی تعدادی از زندانیان سیاسی ایران به دستور خمینی. در این روز رفیق فدایی سعید سلطان پور و مبارز قهرمان محسن فاضل از سازمان پیکار همراه عده ای دیگر اعدام شدند.  
۱۳۶۲/۳/۱۲ - اعدام وحشیانه و دسته جمعی ۵۹ نفر از مردم قهرمان مهاباد توسط مزدوران رژیم خمینی  
۱۳۶۲/۳/۱۳ - انجام شبه کودتای بانداکبر کامیابی - حسین زهری علیه خط اصولی در اقلیت سازمان  
۱۳۶۶/۳/۳۰ - بنیانگذاری ارتش آزادیبخش ملی ایران به وسیله مسعود رجوی  
۱۳۶۸/۳/۱۴ - مرگ خمینی جلد  
۱۳۷۲/۳/۱۹ - درگذشت دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی پژوهشگر و نمایش نویس در پاریس  
۱۳۷۳/۳/۳۰ - انفجار حرم امام هشتم شیعیان در مشهد به وسیله رژیم آخوندها  
روزهای تاریخی  
۱ ژوئن، روز جهانی کودک  
۵ ژوئن، روز جهانی محیط زیست  
خارجی از ۲۲ مه تا ۲۱ ژوئن  
۲ ژوئن ۱۸۴۷ - تشکیل نخستین تشکیلات کمونیستی به نام اتحادیه کمونیستها به وسیله مارکس و انگلس  
۲۸ مه ۱۸۷۱ - شکست کمون پاریس، اولین دولت کارگری در جهان و اعدام انقلابیون کمون به وسیله نیروهای ارتجاعی در فرانسه  
۱۱ ژوئن ۱۸۸۳ - پنجمین، نخستین سفیر کبیر آمریکا در ایران، استوارنامه خود را تسلیم ناصرالدین شاه نمود.  
۲۲ مه ۱۸۸۵ - درگذشت نویسنده بزرگ فرانسوی، ویکتور هوگو در سن ۶۵ سالگی  
۱۶ ژوئن ۱۹۲۸ - تولد رفیق ارنتو چه گوارا  
۱۸ ژوئن ۱۹۳۶ - درگذشت ماکسیم گورکی نویسنده بزرگ روس در سن ۶۸ سالگی  
۱۸ ژوئن ۱۹۵۴ - کودتا علیه دولت ملی آریسنز در گواتمالا توسط سیا  
۲۵ مه ۱۹۶۳ - تأسیس سازمان وحدت آفریقا  
۲ ژوئن ۱۹۶۳ - درگذشت ناظم حکمت، شاعر بزرگ ترک در سن ۶۱ سالگی  
۹ ژوئن ۱۹۶۵ - آغاز مبارزه مسلحانه جبهه خلق برای آزادی عمان  
۲۲ مه ۱۹۶۶ - درگذشت نابغه بزرگ سینما، والت دیسنی در سن ۶۵ سالگی  
۵ ژوئن ۱۹۶۹ - تأسیس دولت موقت انقلابی در بخش جنوبی ویتنام  
۳۱ مه ۱۹۷۹ - حمله نهایی جبهه ساندنیست علیه نیروهای سوموزا در نیکاراگوئه

### NABARD - E - KHALGH

Organ of the  
Organization of Iranian People's Fedaian Guerillas  
Executive Editor: Zinat Mirhashemi  
Published by :  
NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 132 21. May . 1996

NABARD  
Post fach 102001  
50460 Koln  
GERMANY  
\*\*\*

HOVIAT  
P.O Box , 1722  
Chantilly, VA  
22022 U.S.A  
\*\*\*

NABARD  
P.O . Box 56525  
shermanoaks, CA  
91413 U.S.A

NABARD  
Post fach 121  
1061 Wien  
AUSTRIA  
\*\*\*

NABARD  
Casella Postale 307  
65100 Pescara  
ITALIA  
\*\*\*

NABARD  
P.O . Box 15 Toronto  
ont , M 5 S 2SG  
CANADA

Price: 7 F Fr 2 DM 1/5 \$ U

### نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
مدیر مسئول : زینت میرهاشمی  
چاپ : انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبرد خلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD  
B.P 20  
91350 GRIGNY CEDEX / FRANCE  
FAX : 1 - 714 - 2629344 U.S.A

### فرم اشتراک نبرد خلق

Name : .....

Address : .....

### بهای اشتراک سالانه نبرد خلق

اروپا ۷۵ فرانک فرانسه  
آمریکا و کانادا ۱۸ دلار آمریکا  
تک شماره ۷ فرانک فرانسه

### حساب بانکی سازمان

نام بانک : SOCIETE GENERAL  
آدرس بانک : BOULOGNE - S - SEIN  
FRANCE  
کد گیشه : 03760  
شماره حساب : 00050097851  
نام صاحب حساب : Mme. Talat R.T





در برابر تندر می ایستند  
خانه را روشن می کنند  
و می میرند

### شهدای فدایی خرداد ماه

رفقا: حسن نیک داوری - امیرپرویز پویان - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - مریم شاهی - خسرو ترکل - حسین سلیمی - مینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موجالی - رفعت معماران بنام - سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت با شعور - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (در هند) - محمدرضا محمدیان باباعلی (کاک رشید) - حمید میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر اویسی - جعفر قنبرنژاد - بهنوش آذریان ، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

### برخی از رویدادهای تاریخی خرداد ماه

- ۱۲۹۹/۳/۱۴ - اعلام جمهوری گیلان توسط میرزا کوچک خان
- ۱۳۱۰/۳/۱۰ - تصویب قانون ضد کمونیستی معروف به قانون سیاه توسط رژیم رضا شاه
- ۱۳۱۳/۳/۸ - قانون تاسیس دانشگاه تهران در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. در ۱۵ بهمن همان سال اولین سنگ بنای دانشگاه تهران گذاشته شد.
- ۱۳۳۰/۳/۲۹ - خلع ید از شرکت نفت انگلیس توسط دولت ملی دکتر محمد مصدق
- ۱۳۳۲/۳/۲۹ - حمله مزدوران دربار محمدرضا شاه به میتینگ حزب توده در بابل و شهادت تعدادی از تظاهرکنندگان
- ۱۳۳۸/۳/۲۳ - اعتصاب ۴۰۰۰۰ نفری کارگران کوره پزخانه های تهران و شهادت ۵۰ کارگر کوره پزخانه در یورش مزدوران رژیم محمدرضا شاه به اعتصاب کنندگان
- ۱۳۴۲/۳/۱۵ - قیام خونین مردم تهران علیه دیکتاتوری شاه
- ۱۳۴۹/۳/۲۰ - شهادت آیت الله سعیدی در شکنجه گاهای رژیم شاه
- ۱۳۵۱/۳/۴ - اعدام بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران، شهدای قهرمان محمد حنیف نژاد - سعید محسن - علی اصغر بدیع زادگان - رسول مشکین فام و محمود عسگری زاده توسط رژیم شاه
- ۱۳۵۲/۳/۲۵ - شهادت مجاهد قهرمان رضا رضایی در درگیری با مزدوران شاه
- ۱۳۵۶/۳/۲۹ - شهادت روشنفکر و اندیشمند مسلمان دکتر علی شریعتی
- ۱۳۵۷/۳/۱۵ - درگذشت کاک عزیزپوسفی از مبارزان پر سابقه دوران سیاه دیکتاتوری شاه پس از آزادی از زندان
- ۱۳۵۷/۳/۳۱ - شهادت سعید معینی عضو کومله - روز پیشمرگ کومله

بقیه در صفحه ۱۵

### ۲۰ خرداد، نقطه عطف جنبش رهایی بخش مردم ایران

برای گرمای داشت خاطره زنان و مردانی که به دست دژخیمان رژیم ایران به شهادت رسیدند،  
برای بزرگداشت مقاومت زندانیان سیاسی ایران،

### برای همبستگی با مبارزه زنان ایران در کنسرت مرضیه در لندن شرکت کنید.

انجمن فرهنگ آزادی  
انجمن بین المللی حقوق زنان برگزار می کند

### اجرای اپرت همبستگی مرضیه زنان، صدای سرکوب شدگان

جمعه ۱ تیر ۱۳۷۵ - ۲۱ ژوئن ۱۹۹۶  
ساعت ۱۸ الی ۲۲

Earls Court Exhibition Centre  
Warwick Road  
London Sw 5 9TA

### اخراج پناهجویان ایرانی، نقض حق پناهندگی و محکوم است

اخیراً وزارت امور خارجه هلند گزارشی پیرامون وضعیت حقوق بشر و آزادیهای اساسی در ایران برای دادگستری هلند ارسال نموده است. این گزارش اعلام داشته که می توان پناهجویانی که درخواست پناهندگی آنان رد شده را به ایران بازگرداند. این گزارش در حالی ارائه می شود که رژیم ایران در ماه قبل به دلیل نقض ابتدایی ترین حقوق شهروندی، اعدام فعالان سیاسی و نقض حقوق زنان، طی قطعنامه ای از سوی کمیسیون حقوق بشر ملل متحد برای سی و هفتمین بار محکوم شده است. این قطعنامه را نماینده کشور هلند نیز امضا نموده است. در شرایطی که نقض حقوق بشر همچنان در ایران ادامه دارد، گزارش وزارت امور خارجه هلند فاقد پایه و اساس است.

ما ضمن رد دلایل ابراز شده در گزارش وزارت امور خارجه هلند و حمایت کامل از پناهجویان ایرانی، از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، عفو بین الملل و تمامی مجامع مدافع حقوق بشر و فعالین امور پناهندگی می خواهیم با در نظر گرفتن شرایط وخیم حقوق بشر در ایران از دادگستری هلند بخواهاند تا از اخراج پناهجویان ایرانی خودداری نماید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
۲۸ اردیبهشت / ۱۳۷۵

### حلق آویز در ملأ عام

دبیرخانه شورای ملی مقاومت اعلام کرد که روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت رژیم آخوندی علی عندلیب دزفولی را در خیابان نادری اهواز در حضور خانواده اش به دار آویخت.

### مراسم اول ماه مه در آمریکا و کانادا

بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۸ آوریل امسال به دعوت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مراسمی در بزرگداشت اول ماه مه روز جهانی کارگران در شهر تورنتو (کانادا) برگزار شد. در ابتدای مراسم به احترام شهدای راه آزادی مردم ایران یک دقیقه سکوت اعلام شد. به دنبال آن سرود انترناسیونال به طور دسته جمعی اجرا شد. پس از آن پیامهای رسیده قرائت و سپس رفیق اسد طاهری از مسئولین سازمان در آمریکا پیرامون تاریخچه اول ماه مه و مبارزات کارگران ایران در سال گذشته صحبت نمود. وی در پایان سخنرانی خود از کلیه هموطنان خواست که در جهت افشای چهره رژیم جمهوری اسلامی و حمایت از مبارزات کارگران ایران با شورای ملی مقاومت ایران همکاری کنند.

همچنین بعد از ظهر روز یکشنبه ۵ مه امسال به دعوت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مراسمی در لوس آنجلس (آمریکا) برگزار شد. در این مراسم پس از اعلام سکوت به احترام شهدای گرانقدر مبارزات مردم ایران، رفیق سعید کیوان عضو کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به ایراد سخنرانی پرداخت. رفیق کیوان در سخنرانی خود با اشاره به تاریخ پیدایش طبقه کارگر ایران و رشد مبارزات آن نتیجه گرفت که همانگونه که در دوران دکتر محمد مصدق منافع طبقه کارگر از کانال پیشرفت مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت تامین می شد، در شرایط کنونی این منافع از طریق پیشرفت شورای ملی مقاومت و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تامین خواهد شد. پس از پایان سخنرانی، آتارکت اعلام شد و پس از آن خانم شیدا به همراه گروه موزیک به هنرنمایی پرداخت و یا صدای گرم خود، به جشن اول ماه مه گرمی بخشید. این مراسم که در ساعت ۵ بعد از ظهر آغاز شده بود، در ساعت ۹ شب پایان یافت.

به مناسبت اول ماه مه فعالین سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در ونکوور روز ۲۸ آوریل همراه با کمیته دفاع از پناهنده مبارز، صدای ارس، سازمان سوسیالیستهای آزاد و زنان رادیکال در راهپیمایی که توسط فعالین سندیکاهای این شهر برگزار شده بود شرکت کردند. این راهپیمایی توسط کمیته May Works سازماندهی شده بود.

### اعدام دو عضو کومله

حزب کمونیست ایران خبر اعدام ۲ عضو این حزب به نامهای سلیم صابرنیا و مصطفی قادری در زندان ارومیه را اعلام کرد و رادیو صدای انقلاب ایران وابسته به کومله روز ۲۴ اردیبهشت با پخش این خبر از نیروهای سیاسی و مردم آزادیخواه دعوت نمود که علیه شکنجه و اعدام اعتراض نمایند. این رادیو گفت که این رفقا به مدت ۵ سال و ۷ ماه در زندان رژیم تحت شکنجه و آزار وحشیانه قرار داشته اند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، شهادت این رزمندگان را به خانواده او، به پیشمرگان کومله و به حزب کمونیست ایران تسلیت می گوید.

.....